

هر هفته با یک پرونده ویژه

این هفته:

هشتمین فرمانده

صفحات ۷و۶

سرمقاله

سپاه و سیاست در گام دوم

سردار یدالله جوانی

مدیر مسئول



«اگر تغییر فرمانده سپاه موجب بازگشت آن نهاد به وظایف قانونی / ذاتی خود و پایان یافتن دخالت‌هایش در سیاست داخلی و خارجی و نیز اقتصاد و انتخابات شود، باید از آن استقبال کرد. در غیر این صورت مشکلات / انتقادهای همچنان ادامه می‌یابند و میهن و مردم همچنان زبان خواهند دید.»

با تأمل در این توثیق که از آن یکی از محکومان فتنه ۸۸ است، دو نکته القایی دیده می‌شود: ۱- سپاه در سال‌های گذشته، از وظایف قانونی و ذاتی‌اش عبور کرده و برخلاف جایگاه و فلسفه وجودی خود، در امر سیاست، اقتصاد و انتخابات دخالت کرده است. ۲- سپاه عامل مشکلاتی است که اکنون مردم و کشور با آن مواجه هستند.

نظری به اینکه در روزهای اخیر و به ویژه بعد از اقدام نایب‌رئیس‌جمهور سر استیصال آمریکایی‌ها در قرار دادن نام سپاه در فهرست سازمان‌های تروریستی خود، این نوع القائات در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی تکرار شده، پاسخگویی به آن و تنویر افکار عمومی ضرورت دارد. در این میان، پرسش‌های اصلی آن است که، آیا در دهه‌های گذشته، سپاه خارج از وظایف ذاتی و قانونی‌اش عمل کرده است؟ آیا سپاه عامل مشکلات کشور و زیان دیدن میهن و مردم است؟ آیا سپاه برخلاف قانون و وظایف ذاتی خود، در اقتصاد و سیاست دخالت می‌کند؟ برای پاسخ به این قبیل پرسش‌ها، باید سپاه را از حیث رسالت و فلسفه وجودی، وظایف و مأموریت‌ها، بر اساس اسناد قانونی و بالادستی، مانند ۱- قانون اساسی، ۲- اساسنامه سپاه مصوب مجلس شورای اسلامی و ۳- فرامین، اوامر و تدابیر امام و رهبری شناخت.

کسانی که سپاه را به دخالت در سیاست و اقتصاد و دیگر امور برخلاف وظایف ذاتی‌اش متهم می‌کنند، با سپاه را نمی‌شناسند یا سپاه را به لحاظ جایگاه و رسالت به درستی می‌شناسند، اما با اهداف و انگیزه‌های سیاسی این قبیل مطالب را مطرح می‌کنند. این افراد، سپاه را یک نیروی صرفاً نظامی معرفی می‌کنند که محل استقرارش، پادگان‌های خارج از شهرها است؛ از نظر این افراد، پاسداران باید در پادگان‌ها باشند و اگر روزی کشور مورد تهاجم واقع شود، با دشمن بجنگند! آیا سپاه این است؟ اگر سپاه این باشد که می‌شود ارتش و آیا عقلانی است که کشور دو ارتش داشته باشد؟ طبق اسناد بالادستی، سپاه پاسدار انقلاب است. طبق همین اسناد، سپاه کمک‌کننده به عمق‌بخشی به انقلاب و پیش‌روندگی انقلاب است. طبق قانون، سپاه باید از انقلاب اسلامی در هر شرایطی و در برابر هر نوع تهدید با هر نوع ماهیتی پاسداری کند. در چهل سال گذشته، انقلاب اسلامی، جمهوری اسلامی و ملت ایران، با هر نوع تهدید، توطئه، فشار، فتنه و دسیسه ممکن و متصور از سوی جبهه استکبار و نظام سلطه مواجه شد.

توطئه‌ها و فشارها در حوزه‌های سخت، نیمه‌سخت و نرم، تماماً با هدف شکست انقلاب اسلامی و فروپاشی جمهوری اسلامی و بازگرداندن سلطه آمریکا بر کشور و ملت ایران طراحی و اجرا شد. از افتخارات سپاه و پاسداران، آن است که در این چهل سال، با کمک مردم در قالب سازمان بسیج، همه این توطئه‌ها، فشارها و فتنه‌ها را خنثی کرده‌اند. اگر سپاه در چهل سال گذشته، غیر از این عمل کرده بود، اکنون نه خبری از انقلاب اسلامی بود و نه نام و نشانی از جمهوری اسلامی وجود داشت. نبود انقلاب و جمهوری اسلامی، یعنی نبود آزادی، استقلال، عزت، کرامت و پیشرفت برای ملت ایران. پایان انقلاب و جمهوری اسلامی، یعنی بازگشت سلطه آمریکا و یک نظام فاسد، دیکتاتور و وابسته در ایران. اگر چنین اتفاقی می‌افتاد، آنگاه باید همگان می‌گفتند اگر سپاه به وظایف قانونی و ذاتی‌اش عمل کرده بود، این چنین نمی‌شد. حضرت امام(ره) براساس عمل سپاه فرمودند: «اگر سپاه نبود، کشور هم نبود.» بدون تردید آنچه در این چهل سال، در کارنامه درخشان سپاه ثبت شده، همگی براساس وظایف ذاتی و قانونی بوده است. سپاه با عمل به وظایف قانونی در این چهل سال، از انقلاب اسلامی، جمهوری اسلامی، تمامیت ارضی، استقلال کشور، عزت ملی، امنیت ملی، امنیت داخلی و در یک کلام از منافع ملی پاسداری کرده است. مشکل اصلی آمریکا با سپاه در همین ایستادگی سپاه و عمل بر بنیای رسالت و فلسفه وجودی‌اش است. سپاه از مردم، با مردم و برای مردم است. مردم ایران با انقلاب اسلامی در برابر آمریکا و همه مستکبران ایستادند و این مردم، سپاه را پرچمدار و پیشگام این ایستادگی کردند. سپاه در این چهل سال، حق این پرچمداری را به درستی ادا کرد. آینده سپاه و کارکردها و رویکردهای سپاه در گام دوم، در امتداد گام اول با امتیاز بر خودداری از چهل سال تجربه است. به طور قطع سپاه در گام دوم انقلاب و چله دوم، مثل گذشته و تمام قد از انقلاب اسلامی پاسداری خواهد کرد. پاسداری از انقلاب اسلامی، یعنی پاسداری از تمامی فضیلت‌هایی که ملت ایران با هدف تمدن‌سازی اسلامی و رسیدن به حیات طیبه به دنبال آن است. بنابراین باید گفت، ورود سپاه در هر حوزه‌ای اعم از نظامی، امنیتی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، به اقتضای شرایط و براساس رسالت و با هدف پاسداری از انقلاب اسلامی انجام می‌شود. این ورودها نه از باب دخالت، بلکه براساس وظیفه و رسالت است. اما در این میان و در حوزه سیاست، عمل سیاسی سپاه از نوع عمل احزاب و جریان‌های سیاسی نیست. سپاه کارکرد حزبی و گروهی نداشته و نخواهد داشت. سپاه در انتخابات مثل احزاب به دنبال معرفی کاندیدا نبوده و نخواهد بود. سپاه در هر صحنه‌ای و عرصه‌ای، پرچمدار گفت‌وگو، انقلاب اسلامی و ارزش‌ها بوده، هر چند عده‌ای از این رفتار سپاه تفسیر دیگری داشته‌اند. سپاه نه حزب است و نه تابع احزاب، بلکه سپاه، سپاه است و پاسدار انقلاب اسلامی.



گزارش خبری صبح صادق از مراسم تکریم و معارفه فرمانده کل سپاه

معاون تربیت و آموزش عقیدتی-سیاسی
نماینده‌ی ولی فقیه در سپاه در گفت‌وگو با صبح صادق

همه هدف گذاری‌ها معطوف به اثربخشی است

صفحه ۱۱

بازنگاهی به جنایت اخیر آل سعود و بازتاب رسانه‌ای آن

قتل‌های زنجیره‌ای در عربستان ادامه دارد

صفحه ۲

نگاهی بر فیلم سینمایی غلامرضا تختی

اسطوره‌ای که بر روی پرده نقره‌ای سینما هم تنها ماند

صفحه ۱۰

سلام سپاه به سردار سلامی

صفحات ۷و۶

فصل الخطای برای رسانه ملی!

علی حیدری

سردبیر



رشد و ارتقای هرم دانشی و آگاهی‌های عمومی یکی از کاربردهای مهم رسانه‌ها، به ویژه رسانه ملی به منزله فراگیرترین رسانه عمومی است. رسانه ملی به دلیل برخورداری از عناصر مهم انتقال پیام به صورت صوتی، تصویری و حتی نوشتاری بستر مناسبی برای آموزش و تربیت و ترویج ارزش‌های دینی و اخلاقی است. شاید به همین دلیل است که امام خمینی(ره) صدا و سیما را یک دستگاه بزرگ آموزشی و تربیتی و به منزله یک «دانشگاه عمومی» می‌دانستند که قلمرو آن همه بخش‌های کشور را در بر می‌گیرد.

رسانه‌ای در ابعاد و گستره صدا و سیما اگر بخواهد به مثابه دانشگاه-که

یک مرکز علمی است-ایفای نقش کند، جز از طریق تولید برنامه‌های اصولی

و منطبق با موازین دینی و اخلاقی که در پرتو آن بتواند افکار عمومی را تغذیه

سالم کرده و نسل‌های آینده را متفکر و خردمند و با انگیزه و اراده پرورش دهد،

موفق نخواهد بود.

رادیو و تلویزیون به دلیل ویژگی‌های فنی و نوع انتقال پیام از طریق آنها که

زنده و همیشگی است، می‌توانند با مخاطبان ارتباط برقرار کنند؛ به همین دلیل

باید تدابیری برای پر کردن اوقات فراغت و ایجاد سرگرمی برای مخاطبان داشته

باشند که ایجاد جاذبه برای نگه داشتن شنونده و بیننده از ضروریات این مهم است.

همین موضوع سبب شده است با گسترش شبکه‌ها توجه به برنامه‌های ترکیبی

و موضوعاتی از قبیل مسابقات، جنگ‌ها و... بیش از پیش مورد توجه قرار گیرد.

تا اینجای کار طبیعی است؛ اما مشکل زمانی آغاز شد که پای اسپانسرهای

قدرتمند به این رسانه باز شد. با ورود این حامیان مالی، شیوه کار به این صورت شد

که صدا و سیما در برنامه‌های پرمخاطبش از مردم می‌خواهد با انجام تراکش‌ها،

جمع‌آوری و خرید بسته‌های امتیازی که برای آنها درگاه پرداخت مشخص هم

وجود دارد، با کمک اپلیکیشن‌هایی مانند «آپ» و «۷۸۰» امتیاز کسب کرده و

شانس خود را در قرعه‌کشی افزایش دهند. جالب اینجاست که جوایز این برنامه‌ها

قابل توجه هستند و با سودی که اسپانسرها می‌برند به هیچ‌وجه قابل مقایسه نیست.

مشکلات مالی سازمان صدا و سیما که «عبدالله‌علی‌عسکری» رئیس این

سازمان آذر ماه ۹۷ گفت: «تأمین حدود ۱۸۰۰ میلیارد تومان در این شرایط

بازار، برعهده خود سازمان است و این خیلی کار سخت و تقریباً نشدنی است.»

مزید بر علت شد و شاهد ظهور و بروز مسابقات گوناگون با فضاهای متنوع و با

حضور سلب‌ریتی‌ها بودیم که به جای مجریان مشهور نشسته و سکان مسابقات

را نیز در دست گرفتند. جوایز کلان این مسابقات سبب شد علاقه‌مندان زیادی

برای حضور در آنها اقدام کرده و با توجه به برنامه طراحی شده لازم بود هزینه

کندت تا بتوانند شانس حضور در آن را به دست آورند.

حرف و حدیث‌هایی در این باره شنیده شد تا اینکه اولین بار سوم اردیبهشت

در پاسخ به استفتایی از یکی از مراجع تقلید، ایشان این مسابقات را قمار دانسته و

اعلام کردند کسانی که در این مسابقات شرکت می‌کنند مالک آن جوایز نیستند.

پس از آن تعداد دیگری از مراجع نیز نظرات مشابهی مطرح کردند. بحث‌ها درباره

اینکه این مسابقات مصداق استفتاء هستند در حال بالا گرفتن بود که رهبر فرزانه

انقلاب در دیدار جمعی از کارگران با تأکید بر تقویت روحیه کار و تلاش، گفتند:

«ما باید فرهنگ کار و تولید و تلاش را ترویج کنیم؛ این روحیه نشستن و ثروت

بادآورده را انتظار کشیدن باید از بین ببرد. این را نباید ترویج کنیم. دستگاه‌های

مختلف، صدا و سیما و دیگران باید متوجه این معنا باشند که نوع کارهایی از

قبیل کارهای بخت‌آزمایی را ترویج نکنند...»

با این بیان صریح رهبری حجت بر همگان تمام شد و انتظار می‌رود رسانه

ملی و مدیران آن با اصلاح روش فعلی تدبیری برای آینده بیندیشند که هم از

جاذبیت برنامه‌هایی از این دست کاسته نشود و هم اصول و مبانی دینی و شرعی

پایگاه بصیرت بخوانید

پیام‌های تبریک و قدردانی نماینده ولی فقیه در سپاه به سردار سلامی و سردار جعفری

حجت‌الاسلام والمسلمین حاجی صادقی در نامه‌های جداگانه‌ای به سردار سرلشکر جعفری و سردار سرلشکر اسلامی، ضمن تشکر و قدردانی از تلاش‌های سردار جعفری، فرمانده سابق سپاه، انتصاب سردار سلامی را به عنوان فرمانده کل سپاه تبریک گفت. متن پیام نماینده ولی فقیه در سپاه به شرح زیر است:

خاطر، تنها با تکیه بر الطاف الهی و

توجه ویژه به پیاده‌سازی انتظارات مقام

معظم رهبری(مدظله‌العالی) به ویژه در

عرصه تقویت گوهر درونی سپاه یعنی

تقوا، بصیرت و معنویت با نقش‌آفرینی

جناب‌عالی و به کارگیری نیروی انسانی

مؤمن، کارآمد، اندیشه‌ورز و آینده‌نگر

و ارتقای روزافزون سطح آمادگی‌ها

و توانمندسازی و تعالی معنوی و

بصیرتی فرماندهان و آحاد کارکنان

سپاه پاسداران با اقدام و عمل جهادی

و انقلابی میسر خواهد بود.

این‌جانب ضمن اعلام آمادگی

همه‌جانبه حوزه نمایندگی ولی فقیه

در سپاه برای تعمیق همکاری‌ها

و هم‌افزایی‌ها، توفیق روزافزون

جناب‌عالی را در پیشبرد اهداف

عالیه نظام مقدس جمهوری

اسلامی ایران و اعتلای همه‌جانبه

کشور در ظل توجهات حضرت

بقیه‌الله‌الاعظم(ارواح‌نفاذ) و عمل

بی‌تردید حسن اعتماد معظم‌له

به تدابیر و منویات حضرت آیت‌الله

العظمی امام خامنه‌ای(مدظله‌العالی)

از درگاه ایزد منان مسئلت

می‌نمایم.

برادر ارجمند سردار سرلشکر

پاسدار محمدعلی جعفری

سلام علیکم

اکنون که با تدبیر و ارائه حکیمانه

مقام معظم رهبری(مدظله‌العالی) پس

از دوره موفق «فرماندهی کل سپاه

پاسداران انقلاب اسلامی» به مسئولیت

«فرارگاه فرهنگی اجتماعی حضرت

بقیه‌الله‌الاعظم(ارواح‌نفاذ) منصوب

شده‌اید، وظیفه خود می‌دانم ضمن

تبریک این انتصاب مبارک، از مدیریت

جهادی و تلاش‌های مخلصانه آن برادر

گرانقدر، طی دوران تصدی فرماندهی

افتخارآمیز نهاد مقدس سپاه در خدمت

به نظام و ملت با عظمت ایران اسلامی

قدردانی نمایم.

بی‌تردید حسن اعتماد معظم‌له

به تدابیر و منویات حضرت آیت‌الله

العظمی امام خامنه‌ای(مدظله‌العالی)

از درگاه ایزد منان خواستارم.

این‌جانب توفیق روزافزون

جناب‌عالی در این سنگر خطیر، تحت

توجهات حضرت بقیه‌الله(ارواح‌نفاذ)

و تبعیت از رهنمودهای مقام عظمای

ولایت و رهبری حضرت آیت‌الله

العظمی امام خامنه‌ای(مدظله‌العالی)

را از درگاه ایزد منان خواستارم.

این‌جانب توفیق روزافزون

جناب‌عالی در این سنگر خطیر، تحت

توجهات حضرت بقیه‌الله(ارواح‌نفاذ)

و تبعیت از رهنمودهای مقام عظمای

ولایت و رهبری حضرت آیت‌الله

العظمی امام خامنه‌ای(مدظله‌العالی)

را از درگاه ایزد منان خواستارم.

این‌جانب توفیق روزافزون

جناب‌عالی در این سنگر خطیر، تحت

توجهات حضرت بقیه‌الله(ارواح‌نفاذ)

و تبعیت از رهنمودهای مقام عظمای

ولایت و رهبری حضرت آیت‌الله

العظمی امام خامنه‌ای(مدظله‌العالی)

را از درگاه ایزد منان خواستارم.

این‌جانب توفیق روزافزون

جناب‌عالی در این سنگر خطیر، تحت

توجهات حضرت بقیه‌الله(ارواح‌نفاذ)

و تبعیت از رهنمودهای مقام عظمای

ولایت و رهبری حضرت آیت‌الله

العظمی امام خامنه‌ای(مدظله‌العالی)

را از درگاه ایزد منان خواستارم.

این‌جانب توفیق روزافزون

جناب‌عالی در این سنگر خطیر، تحت

توجهات حضرت بقیه‌الله(ارواح‌نفاذ)

و تبعیت از رهنمودهای مقام عظمای

ولایت و رهبری حضرت آیت‌الله

العظمی امام خامنه‌ای(مدظله‌العالی)

را از درگاه ایزد منان خواستارم.

این‌جانب توفیق روزافزون

جناب‌عالی در این سنگر خطیر، تحت

توجهات حضرت بقیه‌الله(ارواح‌نفاذ)

و تبعیت از رهنمودهای مقام عظمای

ولایت و رهبری حضرت آیت‌الله

العظمی امام خامنه‌ای(مدظله‌العالی)

را از درگاه ایزد منان خواستارم.

این‌جانب توفیق روزافزون

جناب‌عالی در این سنگر خطیر، تحت

توجهات حضرت بقیه‌الله(ارواح‌نفاذ)

و تبعیت از رهنمودهای مقام عظمای

ولایت و رهبری حضرت آیت‌الله

العظمی امام خامنه‌ای(مدظله‌العالی)

را از درگاه ایزد منان خواستارم.

این‌جانب توفیق روزافزون

جناب‌عالی در این سنگر خطیر، تحت

توجهات حضرت بقیه‌الله(ارواح‌نفاذ)

و تبعیت از رهنمودهای مقام عظمای

ولایت و رهبری حضرت آیت‌الله

العظمی امام خامنه‌ای(مدظله‌العالی)

را از درگاه ایزد منان خواستارم.

این‌جانب توفیق روزافزون

جناب‌عالی در این سنگر خطیر، تحت

توجهات حضرت بقیه‌الله(ارواح‌نفاذ)

و تبعیت از رهنمودهای مقام عظمای

ولایت و رهبری حضرت آیت‌الله

العظمی امام خامنه‌ای(مدظله‌العالی)

را از درگاه ایزد منان خواستارم.

این‌جانب توفیق روزافزون

جناب‌عالی در این سنگر خطیر، تحت

توجهات حضرت بقیه‌الله(ارواح‌نفاذ)

و تبعیت از رهنمودهای مقام عظمای

ولایت و رهبری حضرت آیت‌الله

العظمی امام خامنه‌ای(مدظله‌العالی)

را از درگاه ایزد منان خواستارم.

این‌جانب توفیق روزافزون

جناب‌عالی در این سنگر خطیر، تحت

توجهات حضرت بقیه‌الله(ارواح‌نفاذ)

و تبعیت از رهنمودهای مقام عظمای

ولایت و رهبری حضرت آیت‌الله

العظمی امام خامنه‌ای(مدظله‌العالی)

را از درگاه ایزد منان خواستارم.

این‌جانب توفیق روزافزون

جناب‌عالی در این سنگر خطیر، تحت

توجهات حضرت بقیه‌الله(ارواح‌نفاذ)

و تبعیت از رهنمودهای مقام عظمای

ولایت و رهبری حضرت آیت‌الله

العظمی امام خامنه‌ای(مدظله‌العالی)

را از درگاه ایزد منان خواستارم.

این‌جانب توفیق روزافزون

جناب‌عالی در این سنگر خطیر، تحت

توجهات حضرت بقیه‌الله(ارواح‌نفاذ)

و تبعیت از رهنمودهای مقام عظمای

ولایت و رهبری حضرت آیت‌الله

العظمی امام خامنه‌ای(مدظله‌العالی)

را از درگاه ایزد منان خواستارم.

این‌جانب توفیق روزافزون

جناب‌عالی در این سنگر خطیر، تحت

توجهات حضرت بقیه‌الله(ارواح‌نفاذ)

و تبعیت از رهنمودهای مقام عظمای

ولایت و رهبری حضرت آیت‌الله

العظمی امام خامنه‌ای(مدظله‌العالی)

را از درگاه ایزد منان خواستارم.

این‌جانب توفیق روزافزون

جناب‌عالی در این سنگر خطیر، تحت

توجهات حضرت بقیه‌الله(ارواح‌نفاذ)

و تبعیت از رهنمودهای مقام عظمای

ولایت و رهبری حضرت آیت‌الله



یادداشت

از ارزش کار تا کار ارزشی!



فتح‌الله پریشان
کارشناس سیاسی

دیدار سالیانه کارگران با رهبر معظم انقلاب در هفته گذشته و به مناسبت روز ملی کارآفرینی در فضایی خاص و سرشار از معنویت و عشق و ولایت و رهبری برگزاشد و برآند همیشه‌دربدارنده‌ظاریف و دقایقی از سوی ایشان بود که می‌تواند راهنمای زندگی ما باشد. نکات مهمی که معظمله درباره کار و نگاه ارزشی به کار ایراد کردند، بسیار مغتنم و راهگشا برای اصلاح نگاه فرهنگ عمومی ایرانی به کار و این مقوله‌حیات‌بخش و مولد است. ایشان می‌فرمایند: «یکی از وظایف بزرگ جامعه اسلامی و مسئولان همین است که ارزش کار را برای افکار عمومی روشن کنند. کار بشود یک ارزش، نه فقط یک نیاز. البته کار، نیاز است… اما صرفا یک نیاز نیست. کار یک ارزش والا در جامعه است. این را بایستی ما به شکل فهم عمومی و ادراک عمومی مردم دربرآوریم؛ اگر این معنا- به معنای واقعی کلمه- روشن‌شد، آن وقت ارزش کارگر بالا خواهد رفت».

این نگاه از یک‌سوز از آسیب‌شناسی در فرهنگ عمومی ما و نسبتی که ما ایرانی‌ها با مقوله‌ای به نام کار برقرار می‌کنیم، ناشی می‌شود و از سوی دیگر برگرفته از آموزه‌ها و تعلیم اسلامی است. اینکه بپذیریم سطح و وجه رفاه‌خواهی، راحت‌طلبی و لاکچری خرج کردن ما ایرانی‌ها در مقایسه با وجه تلاشگری، صرفه‌جویی و خستگی‌ناپذیری از کار و تلاش در منشور فرهنگ عمومی ایرانی بربرنگ‌تر است، توهین نیست و نباید زود واکنش نشان دهیم که چرا به فرهنگ غنی ایرانی و اسلامی ما توهین می‌شود یا این همه پیشرفت و توسعه پس کار کیست و محصول کدام فرهنگ است؟ و… بله ما به مدد تفضلات الهی و نفس‌های پاک شیدا و بزرگانی از قافله علم، جهاد و کار کشورمان، که فرهنگ فردی اصلاح‌شده در برآند تو تعلیم ناب اسلامی و ایرانی و انباشت تجربه از آدم‌ها و کشورهای موفق داشته‌اند و به تنهایی در برخی حوزه‌ها، مانند تولید ابزارهای دفاعی، توسعه دانش‌های مسالمت‌آمیز هسته‌ای و… مرزهای دانش را جابه‌جا کرده‌اند، کارها و دستاوردهای زیادی داشته‌ایم و ان‌شاءالله خواهیم داشت؛ اما آنچه مدنظر است «فرهنگ عمومی کار» است که با اقبال ذهن‌ها و تحریک انگیزه‌ها در سطح ملی و عمومی هم فراگیری بیشتر در بین مردم داشته باشد و هم چرخ‌های بیشتری را در عرصه‌های متعددی از وجوه گوناگون نیازهای جامعه ایجاد کند تا محصولات بی‌شمارتی برای توسعه داخل و کمک به ملت‌های مسلمان منطقه به وجود بیاید؛ برای نمونه طبق آمار، از جمعیت ۸۰ میلیونی ما تنها ۲۰ میلیون کار می‌کنند و حدود ۲۳ میلیون که می‌توانند کار کنند و بر چرخه تولید کشور تحرک جدی ببخشند، با رضی شدن به درآمدهایی مانند دریافت سود از بانک‌ها و اداره مستغلات و… نه تنها کار تولیدی به مفهوم رایج آن ندارند، بلکه بیشتر وقت خود را صرف گشت و گذار و خوشگذرانی و… می‌کنند یا همه پول خود را به جای تولید، در سودجویی‌های حلال و گاه حرام به کار می‌برند؛ بنابراین این بخش از فرهنگ عمومی ما در کنار دهه‌ها نقطه درخشان و امیدبخش، سخت نیازمند اصلاح و تقویت است و تا زمانی که واقع‌بینانه به این موضوع وارد نشویم و از تمام ظرفیت‌های تربیتی، جامعه‌پذیری و فرهنگ سیاسی ایرانی و اسلامی و انسانی خودمان استفاده نکنیم، شاید موفق نشویم. نکته دیگر این است که این امر وجدانی برای هر ایرانی از طریق نظرسنجی‌ها نیز به تأیید بیشتر آنها رسیده است؛ پس باید به این موضوع توجه کنیم و با ابزارهای فرهنگی و رسانه‌ای برای اصلاح این فرهنگ غلط تلاش کنیم.

در بعد آموزه‌های اسلامی درباره کار نیز، دین مبین اسلام غوغا کرده و چنان تعبایر بلند و توصیف‌هایی درخشان از کار به مثابه بزرگ‌ترین سرمایه، تفریح، جوهر انسانی، رونق‌بخش راه‌ها و آبادی شهرها و جلب محبت‌ها و نزدیک کردن دل‌ها و… به کار برده که انسان از این قدرت پیش‌بینی و واقع‌گویی، که امروزه از راه‌های تجربی، جامعه‌شناسختی، روان‌شناختی و تاریخی به اثبات رسیده است، انگشت حیرت می‌گزد! اما نگاه ارزشی به کار با سایر نگاه‌ها مانند رویکرد نیاز و تأمین زندگی یا آن، رویکرد خلاقانه و مولدانه و کار و تجربه چه تفاوتی دارد؟ اگر همه آنها را در نگاه به کار، دوایر متداخلی در نظر بگیریم، دایره وسیع‌تر و بزرگ‌تری که دیگر دایره‌ها در آن محاط و محصورند، دایره «رویکرد ارزشی به کار» می‌شود و به مثابه «چون که صد آید نود هم پیش ماست» جامعه‌ای که با رهیافت ارزشی به کار می‌نگرد، از موابه و مزایای نگاه‌های دیگر مانند تأمین نیازمندی‌های فردی و اجتماعی، یا ترقی و توسعه بودن یا بازداشتن افراد از بزهکاری و کمک به رونق تولید و مولد بودن نیز برخوردار می‌شود؛ در حالی که عکس آن این امکان را ایجاد نمی‌کند. نگاه ارزشی علاوه بر داشتن امکانات و ظرفیت‌های نگاه‌های دیگر توسعه، عناصر و مقوم‌هایی دارد که در توسعه‌یافته‌ترین نگاه‌ها به کار پیدا نمی‌شود و آن، نگاه به کرامت و ارزش انسانی کار و کارگر است. بر این اساس دیگر به انسان و کارگر به مثابه ابزار پر شدن آنبان‌های اقتصاد سرمایه‌داری نگریسته نمی‌شود، یا انسان‌ها قربانی ساختن جامعه بی‌طبقه سوسیالیستی و اشتراکی نمی‌شوند، بلکه کار انسان ابراز دوستی با خدا و جهاد برای تأمین نیازمندی‌های مخلوقات او می‌شود. این چنین اگر ارزش کار درست فهم شود، کار ارزشی هم محقق می‌شود.

یادداشت

ادامه‌ه از صفحه اول / در برنامه‌ها در اولویت قرار گیرد. اگرچه صدا و سیما به منزله یک نهاد حاکمیتی شرعاً و قانونا باید در بالاترین سطح، تصمیم انقلابی و مدبرانه برای اصلاح روند فعلی بگیرد، در عین حال باید مراقب بود که با موضع‌گیری‌های برخی دست‌اندرکاران برنامه‌های مورد اشاره که در تلاشند اینطور وانمود کنند که با تغییر اسپانسر و تغییراتی از این دست مشکلات این برنامه‌ها رفع می‌شود، اصل قضیه فراموش نشود؛ چرا که شیوه و نحوه اجرا دچار مشکل است و اصلاح آن نیازمند تغییر بنیادین است.

یادداشتک

کره شمالی، ناامید از آمریکا

□ **اکبر معصومی** / در حالی انجام دو دور مذاکرات کره شمالی با آمریکا میان کیم جونگ اون و ترامپ بدون هیچ‌گونه نتیجه‌ای پایان یافت که بیشتر کارشناسان حوزه بین‌المللی معتقدند در دنیای امروز دیگر کمتر کسی به آمریکا اعتماد می‌کند. رفتار آمریکا در مذاکره با کره شمالی به گونه‌ای بود که نشان می‌داد واشنگتن احساس می‌کرد تنها بازیگر تأثیرگذار خارجی در شبه جزیره کره باشد؛ از این رو سفر رهبر کره شمالی به روسیه و دیدار وی با پوتین تصورات آمریکایی‌ها را به طور کامل بر هم زد. مذاکرات روس‌ها با کره شمالی که در مرز مشترک ناچیز ۱۱ مایلی اتفاق افتاد، می‌تواند پیامدهای مهم و تأثیرگذاری در آینده داشته باشد. اولین و مهم‌ترین پیامد احتمالی این است که کره‌ای‌ها به آمریکا این موضوع را تفهیم کنند که آنها تنها بازیگر منطقه نیستند، بلکه کشورهایی مانند روسیه و چین نیز وجود دارند. نکته قابل تأمل این است که کیم جونگ اون این موضوع را به گوش آمریکایی‌ها رساند که کره شمالی کشوری محدود و سرسپرده نخواهد بود؛ البته روسیه نیز در ارتباط با کره شمالی منافع را دنبال می‌کند. به نظر می‌رسد آنها در نگاه اول می‌خواهند به کمک کره شمالی، انرژی خود را بر کره جنوبی برسانند و در مرحله اول در بازار انرژی جنوب شرق آسیا نقش محوری داشته باشند و در مرحله دوم نیز انرژی‌گذاری تحریم‌های آمریکا و اتحادیه اروپا را به حداقل ممکن برسانند. هدف بعدی روسیه به رخ کشیدن نفوذ و قدرت خود در مقابل ایالات متحده آمریکاست. البته کارشناسان معتقدند کره شمالی خواستار خلع سلاح هسته‌ای خود در قبال ضمانت‌های قوی و معتمد در بعد امنیتی و اقتصادی است؛ امری که با رویکرد فعلی آمریکا غیر قابل دستیابی است. در پایان باید گفت گفت‌وگوی میان کیم و پوتین به نوعی تلاش برای کاهش نقش و نفوذ آمریکا در جامعه بین‌المللی است.

دوشنبه ۹ اردیبهشت ۱۳۹۶



با چاقو کش مذاکره نمی‌کنیم!

رئیس‌جمهور با تأکید بر اینکه آمریکا را از اقدامات غیرقانونی و ظالمانه خود پشیمان می‌کنیم، گفت: ما همواره مرد مذاکره و دیپلماسی بوده، همان‌طور که مرد جنگ و دفاع هستیم. مذاکره در صورتی میسر است که همه فشارها برداشته شده، از اقدامات غیرقانونی خود عنرخواهی کنند و احترام متقابل وجود داشته باشد. بدون تردید قبول خواسته فرد چاقوکشی که به زور و به دروغ به دنبال مذاکره است، به جایی نخواهد رسید و ما با فرد چاقوکش و فرمول چاقوکشی مذاکره نمی‌کنیم و قبول چنین مذاکره‌ای به معنای ذلت و تسلیم است.

بازنگاهی به جنایت اخیر آل سعود و بازتاب رسانه‌ای آن

قتل‌های زنجیر‌های در عربستان ادامه دارد

□ **امین پناهی** / ولی‌عهد جوان سعودی مدتی است به بهانه رواج آزادی در کشورش بسیاری از فعالیت‌هایی که تا به حال در آنجا ممنوع بوده، از جمله رانندگی زنان آزاد کرده؛ اما هنوز هم که هنوز است عربستان با همان شکل و شمایل یک کشور قرون وسطایی عمل می‌کند و به بهانه‌های گوناگون شهروندان خود به ویژه شیعیان را از دم تیغ می‌گذراند. روز سه‌شنبه ۲۳ آوریل (۳ اردیبهشت) وزارت کشور عربستان با صدور بیانیهای اعلام کرد، حکم اعدام ۳۷ نفر را که به تلاش برای اقدامات تروریستی متهم بوده‌اند، اجرایی کرده؛ این در حالی است که برخی منابع خبری از شیعه بودن بیش از ۳۲ نفر از اعدام‌شدگان خبر می‌دهند.

از مدت‌ها پیش عربستان صحنه رویارویی مردم معترض به سیاست‌های خصمانه حاکمان سعودی با نیروهای امنیتی آن کشور بوده است. کشوری که نه تنها مجری اصلی سیاست‌های آمریکا در منطقه شناخته می‌شود، بلکه برای خوشامد اربابان آمریکایی‌اش چند سالی است زندگی مردم یمن را به آتش کشیده و حالا به بزرگ‌ترین نسل‌کشی قرن اخیر در کشور یمن متهم است. از سوی دیگر، مردم کشور عربستان نیز از آتش‌افروزی‌های دولت خون‌ریزیشان در امان نیستند. اعدام شیخ نمر و ۴۶ نفر در سال ۲۰۱۶ یکی از نمونه‌هایی بود که حاکمان عربستان را در جهان رسوا کرد و سبب شد همه جهان بانداند این افراد هیچ موجودیتی برآ مخالفان‌شان قائل نیستند.

رسوایی پس از رسوایی!

اما این پایان ماجرا نبود و دولت عربستان در قتل خاشقجی که یک روزنامه‌نگار منتقد بود هم دستان خونینش نمایان شد. این جنایت به حدی پر هیاهو بود که حتی صدای دولت‌مردان آمریکایی را هم درآورد. اتفاقی که دولت ترکیه مصمم است از آن برای بی‌ابرو کردن رقبیش در منطقه استفاده کند و هنوز هم پرورنده بازی در آن کشور دارد و نو به نو اخبار جدیدی درباره اقدامات دولت ترکیه می‌شنویم.

حالا هم پس از آن افتضاح بزرگ، دولت سعودی تصمیم گرفته است ۳۷ نفر از مخالفانش را به قتل برساند و آن را به طور رسمی اعلام کند. اعدام‌های سعودی‌ها همواره به شکل گردن زدن رخ می‌دهد و چنانکه مشخص است سعودی‌ها پس از به قتل رساندن مخالفانش سر یکی از آنها را به نمایش گذاشته است. اما چه چیزی سبب شده عربستان پس از آن رسوایی بزرگ در قضیه خاشقجی بار دیگر

جلوه

یک قاب، هزار سخن

رئیس‌جمهور با تأکید بر اینکه آمریکا را از اقدامات غیرقانونی و ظالمانه خود پشیمان می‌کنیم، گفت: ما همواره مرد مذاکره و دیپلماسی بوده، همان‌طور که مرد جنگ و دفاع هستیم. مذاکره در صورتی میسر است که همه فشارها برداشته شده، از اقدامات غیرقانونی خود عنرخواهی کنند و احترام متقابل وجود داشته باشد. بدون تردید قبول خواسته فرد چاقوکشی که به زور و به دروغ به دنبال مذاکره است، به جایی نخواهد رسید و ما با فرد چاقوکش و فرمول چاقوکشی مذاکره نمی‌کنیم و قبول چنین مذاکره‌ای به معنای ذلت و تسلیم است.

قوانین بین‌المللی دانست و اعلام کرد: «اعدام گروهی، که حکومت سعودی دست به آن زد، اقدامی وحشتناک است که نشان می‌دهد جان انسان‌ها در نزد حکومت‌هایی که مجازات اعدام را به شکلی هدفمند برای سرکوب معارضانی از میان اقلیت شیعه اجرا می‌کنند، بی‌ارزش است.»

مجلس اعلاى اسلامی عراق هم با انتشار بیانیه‌ای اعلام کرد: «این اقدام با موج محکومیت نهادهای بین‌المللی و حقوق بشری و در صدر آنها کمیسیون عالی حقوق بشر سازمان ملل روبه‌رو شد.»

نمایش مضحک اصلاحات

سیاست یک بام و دو هوای سعودی‌ها بیش از پیش برای همه آشکار شد. کسانی که از آزادی و اصلاحات در کشورشان دم می‌زدند، حالا دست‌شان آلوده به خون کسانی است که بسیاری از آنها به زعم خود سعودی‌ها در اعتراضات سال‌های گذشته دستگیر شده بودند. متأسفانه، عده‌ای در کشور ما سعی می‌کردند شعارهای اصلاح‌طلبانه و تقویض آزادی‌های خیالی را برای شهروندان به چماقی بر سر نظام اسلامی تبدیل کنند. اصلاحاتی از جنس آزادی برای زنان، مانند رانندگی و حق رأی برای آنان و بی‌بندوباری‌های غربی و راماندازی قمارخانه‌ها تمام آن چیزی بود که ولی‌عهد سعودی به مثابه آزادی به مردمش ارائه داد. این در حالی است که تاکنون زنان حق شناسنامه‌دار شدن هم در آنجا نداشتند.

تمام آنچه گفته شد، نشان‌دهنده آن است که دولت عربستان سعودی یا هیچ تصویری از آزادی واقعی که یک وجه اصلی آن آزادی اظهار نظر و عقیده است، ندارد یا آنکه می‌داند دلش نمی‌خواهد آن را اجرا کند. آزادی در عربستان تنها به آن چیزهایی محدود می‌شود که مفتیان عربستانی تاکنون داشتند آنها را حرام اعلام کرده بودند و حالا با برگرداندن بدیهی‌ترین حقوق آنها می‌خواهند چنین عملی را آزادی و اصلاحات بنامند؛ اما هنوز هم که هنوز است هر حلقومسی که از آن صدایی در اعتراض یا حتی انتقاد برخیزد، محکوم به بریده شدن است. جورچین این اتفاقات زمانی تکمیل می‌شود که دیگر رویدادهایی را که سعودی‌ها رقم زدند به یاد آوریم، مانند حصر شاهزاده‌های سعودی برای آنکه از اعتراض آنان نسبت به ولی‌عهدی فرزند پادشاه جلوگیری شود و حتی حصر نخست‌وزیر لبنان و انتشار سخنان او زیر فشار و تهدید درباره ایران و …

بودند و یکی از این افراد به صلیب کشیده شد.» در ادامه این خبر آمده است: «عربستان یکی از بالاترین موارد اعدام در جهان را دارد.» روزنامه «نیویورک‌تایمز» در گزارشی با موضوع اعدام دسته‌جمعی ۳۷ نفر در عربستان سعودی، نوشته است: «اغلب این افراد از اقلیت شیعه بوده‌اند و در مورد منصفانه بودن روند رسیدگی به پرونده‌های آنها تردید جدی وجود دارد.»

تلاش برای تحریف واقعیت

جالب‌تر آن است که بسیاری از خبرگزاری‌های خارجی سعی کرده‌اند این اتفاق را پاسخ دولت عربستان به حمله اخیر داعش به پاسگاهی در عربستان عنوان کنند. «دوپچه وله» نوشت: «برخی ناظران احتمال داده‌اند که اعدام‌های اخیر واکنشی به اقدام مسلحانه در روز اول اردیبهشت (۲۱ آوریل) باشد. رسانه‌های دولتی عربستان در این روز از حمله مسلحانه به یک ساختمان امنیتی در استان ریاض و کشته شدن چهار مهاجم و زخمی شدن سه نفر از نیروهای امنیتی خبر دادند.»

اما واقعیت آن است که این تحلیل برای کسانی قابل باور است که ندانند داعش با

پول سعودی‌ها به وجود آمده و حمایت شده است. اگر این تحلیل را درست بدانیم، تنها در یک صورت می‌توان آن را تأیید کرد و آن هم اینکه سعودی‌ها برای اعدام این افراد به بهانه نیاز داشته و سعی کرده‌اند آن را با کمک دست‌پرورده‌های داعشی خود مهیا کنند.

محمودجواد ظریف در یادداشت توثیتری خود نوشت: «پس از چشم‌پوشی از قطعه‌قطعه کردن یک روزنامه‌نگار، وقتی که عربستان سعودی ۳۷ مرد را در یک روز گردن می‌زند هیچ نجوایی از دولت ترامپ شنیده نمی‌شود، حتی وقتی یکی را دو روز پس از عید پاک مصلوب می‌کند.» وی تصریح کرد: «عضویت در «تیم ب» شامل بولتون، بن‌سلمان، بن‌زاید و بی‌بی(نتانیاهو) به هر جنایتی مصونیت می‌دهد.»

سازمان عفو بین‌الملل، اقدام حکومت سعودی به گردن زدن ۳۷ نفر را نقض آشکار

روی خط خبر

پنج پرش یک فرمانده

امیردربادار سیدمحمود موسوی، معاون عملیات ارتش جمهوری اسلامی گفت: «به عنوان یک فرد نظامی از فرماندهی معظم کل قوا تدبیر داریم که همواره باید احساس کنیم که تهدید و خطر وجود دارد و خودمان را برای مقابله با آن خطر و تهدید آماده نگه داریم و آماده باشیم.» به یکی از تدبیرهای امیر سیاری در نیروی دریایی اشاره می‌کنم که می‌گفتند: «لالای سرتان بنویسید چه آمادگی‌ای داریم؟ و به عنوان یک فرمانده چه باید بکنم؟ هر روز که وارد اتاق می‌شوید، اول این نوشته را بالای سرتان ببینید.»

خیال خام براندازی

آرون دیوید میلر، پژوهشگر مرکز «وودرو ویلسون» آمریکا و ریچارد سوکولسکی، پژوهشگر اندیشکده آمریکایی «کارنگی»، در مقاله‌ای مشترک نوشته‌اند: «هم پمپو و هم بولتون، مدت‌هاست که هدف تغییر حکومت در ایران را دنبال می‌کنند. تغییر حکومت با فشار خارجی یک خیال‌یافتی است. مثلاً به تلاش‌های دولت ترامپ برای سقوط دولت مادورو در ونزوئلا نگاه کنید، آمریکا حمایت کشورهای یک ایوزیسیون مشروع داخل ونزوئلا دارد و از یک دژ مجازی داخل اقتصاد ونزوئلا برخوردار است. با این حال ایران و متحدانش هنوز موفقیتی کسب نکرده‌اند. برخلاف آن، حکومت ایران هنوز در چشم میلیون‌ها ایرانی دارای مشروعیت است. اعتقاد به اینکه واشنگتن می‌تواند از شتر ایران خلاص شود، رؤیاپردازی است.»

راز تندخویی نمایندگان

اصولاً سالان هر دوره مجلس، به ویژه سایل آخر، نمایندگانی که موقعیت و سرمایه اجتماعی مناسبی ندارند، برای حفظ کرسی نمایندگی دست به اقدام متفاوتی می‌زنند تا در میان مردم به عنوان نماینده پیگیر مستمر مطالبات عمومی و آشنا به مسئله قانون‌گذاری شناخته شوند. حمیدرضا ترقی با بیان مطلب فوق افزوده است: «از جمله این اقدامات اصلاح قوانین انتخابات است؛ به گونه‌ای که به نفع نماینده حاضر در مجلس باشد و زمینه ماندن او را فراهم کند. اقدام دوم استفاده از تریبون مجلس برای مطرح و رسانه‌ای شدن در بین مردم به ویژه مردم شهر و استان است؛ بنابراین موضوعات مختلفی اعم از منطقه‌ای و ملی را در قالب تذکر، سؤال و نطق بیان می‌کنند.»

عاقبت بلوف علیه ایران

پایگاه آمریکایی کنسرسیوم نیوز (Consortium News) با انتشار گزارشی تحت عنوان «بلوف آمریکا در مقابله با ایران» نوشت: «محاسبات اشتباه آمریکا در نهایت می‌تواند منجر به آن شود که خانه می‌گویند این به آمریکا بستگی دارد که چقدر تنش‌ها گسترش یابد. در واقع اگر آمریکا دست به گسترش بی‌مباهات تنش‌ها بزند، ایران نیز همین‌گونه پیش خواهد رفت. ایران می‌تواند همه چیز را بر سر کشورهای عربی حاشیه خلیج‌فارس خراب کرده و آمریکا را در آن سوی مرزهای خود در عراق و افغانستان هدف قرار دهد.»

هند نباید ساکت باشد

پایگاه «تربیون» (The Tribune) هند با انتشار گزارشی، از مقامات این کشور خواسته است تا در مقابل زیاده‌خواهی‌های آمریکا در سیاست‌های نفتی علیه ایران ایستادگی کنند. در این گزارش می‌خوانیم: «تجارت جهانی نفت نباید تحت کنترل کامل هوی و هوس‌های یک ابرقدرت قرار بگیرد. هند نباید به آمریکا اجازه دهد که به منافع نفتی‌اش صدمه وارد کند.» پایگاه «کونومیک تایمز» هند نیز با انتشار گزارشی تحت عنوان «سیاست آمریکا در قبال ایران محرب است» نوشت: «ترامپ به تلاش برای فشار به ایران و تقویت عربستان سعودی و اسرائیل تنها به گسترش بی‌ثباتی در منطقه کمک می‌کند.»

بی‌توجهی به تذکر امنیتی سیل

محمد دهقان، در نامه‌ای به علی لاریجانی رئیس مجلس و حسن روحانی رئیس‌جمهور اعلام کرد: «مطابق اظهارات جمعی از کارشناسان و بر اساس برخی اطلاعات واصله، بروز پدیده ابر بارش و ابر سیل، حداقل از دی ماه سال ۱۳۹۷ برآی کارشناسان محرز بوده است و مطابق اخبار واصله، خطر وقوع سیل در اوایل بهمن ماه سال ۱۳۹۷ از سوی مقامات امنیتی به صورت کتبی به مقامات ارشد دولتی، از جمله وزارت نیرو هشدار داده شده است؛ ولی وزارت نیرو تمهیدی به منظور آمادگی برای مواجهه با سیل به عمل نیاورده است و حداقل اینکه نسبت به تخلیه سد‌ها، اقدام بهنگام انجام نداده است.» در این نامه تأکید شده که امکانات دولتی و عوامل دولتی در خدمت امدادرسانی به سیل‌زدهگان نبوده است.

اهانت بی‌شرمانه

ضد انقلاب با وقاحت تمام، مدعی حمایت از اقلیت‌های مذهبی بوده و خود را پیگیر مطالبات آنان جا می‌زند. در یکی از جدیدترین نمونه‌ها، بعد از آنکه ماموستا «ملا قادر قادری» انتصاب سرلشکر «حسین سلامی» به فرماندهی کل سپاه را تیریک گفت، توپخانه خود را رسانه‌های معاند بار دیگر فعال کردند و انواع و اقسام تهمت و ناسزا را به امام جمعه اهل سنت پاهو نسبت دادند.



فروپاشی دیکتاتوری

دولتمردان آمریکا تلاش کرده‌اند تا با توسل به همه ابزارها، تحریم‌ها را هر چند با افت و خیز، دنبال و پیگیری کنند. به طور قطع بسیاری از قدرت‌های بانفوذ اقتصادی و سیاسی خود در برابر دخالت‌ها و دیکتاتوری اقتصادی آمریکا، که خواهان تسلط بر همه بازارهای بین‌المللی است، ایستاده‌اند. امروزه بسیاری از کشورهای صاحب قدرت و مکتب در اقتصاد و سیاست زیر بار سیاست‌های تحمیلی آمریکا نمی‌روند. این وضعیت نقطه مثبتی برای جمهوری اسلامی ایران است. با ایجاد رخنه در دیوار تحریم‌های یخچانی و آگاهی‌رسانی به جهان، مانع از دیکتاتوری اقتصادی و سیاسی آمریکا بر کشورها شود.

مرکز جهانی استرس!

بررسی‌ها طی سال ۲۰۱۸ نشان می‌دهد آمریکایی‌ها نه تنها جزء مضطرب‌ترین مردم در سراسر جهان هستند، بلکه بیشترین میزان خشم، استرس و نگرانی را طی یک دهه اخیر تحمل کرده‌اند. در این تحقیقات که طی سال گذشته با جامعه آماری ۱۵۱ هزار نفر در بیش از ۱۴ کشور جهان صورت گرفت، مشخص شد ۵۵ درصد مردم آمریکا با استرس مخرب روزانه مواجه هستند و میزان خشم و نگرانی آنها طی یک دهه اخیر به بالاترین سطح خود رسیده است. گفتنی است میانگین استرس جهانی در این نظرسنجی، حدود ۲۵ درصد (تعداد افراد یک کشور که روزانه با اضطراب و تشویش روبرو می‌شدند) محاسبه شده است.

افزایش نمایی صادرات

یکی از الزامات افزایش تولید به صورت پیوسته و نه مقطعی، توجه به تولید محصول است. اگر چه در ماه‌های اخیر به لطف افزایش نرخ ارز، صادرات غیر نفتی ایران با افزایش قابل توجهی مواجه بوده اما، این مسئله ارتباطی به نحوه تولیدات ما ندارد و تنها به واسطه کاهش ارزش پول ملی (افزایش صرفه اقتصادی صادرات) رخ داده است. اتفاقاً این افزایش صادرات چون با برنامه‌ریزی قبلی صورت نگرفته، موجب ایجاد مشکلاتی از جمله افزایش قیمت برخی کالاها در داخل کشور نیز شده است؛ برای نمونه محمد شریعتمداری سال گذشته و زمانی که وزیر صمت بود، در گفت‌وگویی اعلام کرد ۹۵ درصد تولیدات ما غیر صادراتی است و اصلاً قابلیت صادرات ندارد. نکته‌ای که البته فارغ از میزان درصد اعلامی از سوی وزیر سابق می‌تواند تا حدودی درست باشد.

مسئولان را بیدار کنید

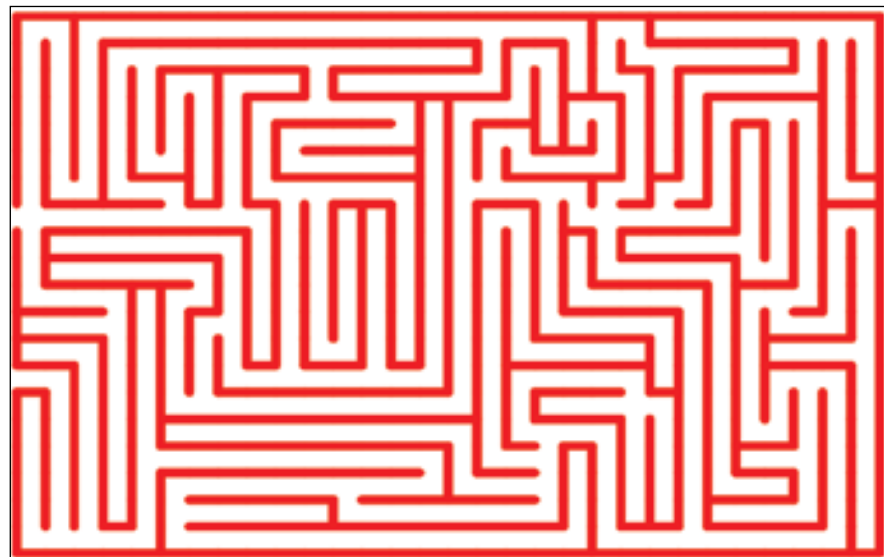
یکی از راهکارهای اقتصاد مقاومتی و رونق تولید، توجه مسئولان به اقتصاد بدون نفت و مردم پایه شدن اقتصاد است؛ در این میان با توجه به تحریم‌های نفتی جدید آمریکا، دولتمردان ایرانی از لزوم توجه دوباره به طرح کاهش وابستگی درآمدهای دولت به نفت سخن گفته‌اند. با کاهش وابستگی به نفت پیش‌بینی می‌شود میزان ضربه‌پذیری اقتصاد ایران از تحریم‌های بین‌المللی کاهش بسیاری پیدا کند.

رایزن‌ها فعال نیستند!

یکی از اعضای شورای مرکزی فراکسیون امید مجلس گفت: «برای بهبود وضعیت صادرات تولیدات داخلی اعم از صنایع دستی و... باید رایزن‌های اقتصادی ما بسیار تقویت شوند. ما در بسیاری از کشورها رایزن اقتصادی نداریم و اگر هم داریم این رایزن‌ها مشکلات زیادی دارند که باید به مشکلات‌شان رسیدگی شود.» سیده‌فاطمه ذوالقدر، نماینده مردم تهران افزود: «بسیاری از رایزن‌های اقتصادی ما حدود ۱۰ ماهه بود که حقوق دریافت نکرده بودند. باید به این رایزن‌ها انگیزه لازم داده شود؛ برای نمونه ما با کشوری مانند پاکستان می‌توانیم ارتباط بسیار خوبی در حوزه اقتصادی و تجاری و بازاریابی محصولاتمان داشته باشیم که این امر نیازمند تقویت دیپلماسی است و نیاز دارد تا رایزن‌های ما در حوزه‌های فرهنگی و اقتصادی در خارج از کشور فعال باشند.»

نگاهی به افزایش انتشار مواضع ضد و نقیض در رسانه‌های اصلاح‌طلب

گردنه حیران



سید فخرالدین موسوی /

«ناکارآمدی دولت برآمده از حمایت اصلاح‌طلبان»، «نارضایتی مردم از مجلس برآمده از تکرار»، «شکست برجام و دشمنی‌های روزافزون دونالد ترامپ علیه ایران اسلامی و پروژه مذاکره و رابطه با آمریکا»، «تو خالی ماندن وعده‌های اروپا و پایان الگوی پیشرفت با اتکا به غرب»، همه و همه موجب شده است شاهد مواضع و اظهارات ضد و نقیض شخصیت‌ها و رسانه‌های اصلاح‌طلب باشیم که نمونه‌های فراوانی از آن را می‌توان برشمرد؛

واکنش به تروریستی خواندن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی از سوی آمریکا: در حالی

که بسیاری از چهره‌های این جریان از سپاه پاسداران انقلاب اسلامی دفاع کردند و نمایندگان اصلاح‌طلب در مجلس لباس سبزی پاسداری پوشیدند؛ همچنین بیانیه حمایتی از سپاه را امضا و به دو فوریت بررسی طرحی درباره پاسخ به اقدام آمریکا در تروریست خواندن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی رأی مثبت دادند و حتی در نقل قولی از رئیس دولت اصلاحات که در رسانه‌ها نقل شد، شاهد محکومیت نسبتاً شدید اقدام رئیس‌جمهور، جمهوری‌خواه آمریکا بودیم، اما به فاصله کوتاهی افرادی چون مرعشی و عبدی برای سپاه شرط و شروط گذاشتند و امتداد حمایت از سپاه را به مسائل خاصی منوط کردند! یا روزنامه اصلاح‌طلب «همدلی» در گزارشی با اشاره به طرح دو فوریتی اقدام متقابل جمهوری اسلامی ایران در برابر تروریستی خواندن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، نوشت: «این اقدام

دیدگاه

بسیجیان عراق در ایران

اندیشه از کجا نشئت می‌گیرد؟

کمک به کم‌توان و مستضعف یک حس انسانی است که برخی انسان‌ها این حس را در وجود خود نمی‌یابند یا کم‌توان و مستضعف را با اغراض سیاسی باز تعریف می‌کنند. ما بنابر حس انسانی، خود را به کمک مستضعفین مقید می‌دانیم. همان‌طور که نیروهای متخصص پزشکی به کمک بیماران می‌توانند، هنرمندان، معلمان و متخصصان هر رشته برای کمک به هموطنان و مردم ضعیف در سراسر جهان احساس مسئولیت می‌کنند، نیروهای نظامی ما هم برای کمک‌های نظامی به مردم مستضعف جهان کمک مشورتی و تخصصی می‌کنند. حس انسان‌دوستی به ما می‌گوید برای هر انسانی در هر نقطه‌ای از جهان حتی در کشوری که سال‌ها با ما دشمنی کرده، زندگی خوب، شادی، پیشرفت، سلامتی و امید بخواهیم. حس انسان‌دوستی به ما می‌گوید حتی برای مردم ایالات متحده و یهودیان فلسطین اشغالی و حتی مردم کشورهای ضعیف آفریقای و... همان را بخواهیم که برای خود می‌خواهیم؛ اما چرا عده‌ای نگاه‌شان به مردم اروپا متفاوت‌تر است با مردم آفریقا؟ چرا کشته

شدن مردم مسلمان برای آنها عادی شده؛ ولی

با کشته شدن مردم فرانسه عزا دارند می‌شوند؟ این تفاوت دیدگاه فقط در نژادپرستان دیده می‌شود. آیا همگامی و هم‌سخنی با نژادپرستان شک‌برانگیز نیست؟

یکی دیگر از موضوعات مطرح شده این

بود که کشوری که جوانان ما را کشته است، در کشور ما چه می‌کند؟ این حرف نهایت نژادپرستی شخص را می‌رساند، چه آنکه برای کشورهای دیگر همین اتفاقات افتاده؛ اما اکنون در کنار هم به طور مسالمت‌آمیز زندگی می‌کنند. اما آیا می‌دانیم شیعیان عراق یعنی همان نیروهای حشدالشعبی، کسانی هستند که سال‌ها در جاهای فاضلاب و کوه‌ها و بیابان‌ها و خرابه‌ها و مکان‌های غیرمتعارف زندگی می‌کردند برای آنکه از دسترس نیروهای بعثی دور باشند تا آنان را به اجبار به جنگ با ایرانیان نفرستند. آیا می‌دانیم صدام در انتفاضه شعبانیه پانصد هزار شیعه را کشت تا انتقام تمکین نکردن آنها از جنگ با ایرانیان را بگیرد؟ چرا سلبریتی‌های ما اینقدر اصرار

لازم را ایجاد کرد. یا در مصداقی دیگر روزنامه «اینگار» در یادداشتی نوشته است: «اروپا نه توان و نه تمایل به ایستادن در برابر آمریکا را داشته و در همین راستا تنها از برج‌ها بنا بر مسائل امنیتی و سیاسی خاص خود دفاع می‌کند؛ در حالی که در مورد پرونده موشکی، حقوق بشر و نیز مسائل منطقه‌ای کاملاً همسو با ایالات متحده آمریکا گام برمی‌دارد. از سوی دیگر، چرخش از SPV به اینستکس و مشروط کردن آن به دو بند تشخیص مشروط‌بودن تجارت و تصویب لوایح مرتبط با FATF در ایران نیز بیانگر کاهش چشمگیر سطح مداخلات تجاری موردنظر اروپا یا ایران است.»

اما چرا اصلاح‌طلبان که پیشتر در رسانه‌های متعدد و متحد خود با تمرکز بر یک موضوع اهداف جریان خود را پیگیری می‌کردند، اکنون چنین به تناقض‌گویی و سردرگمی و حیرانی دچار شدند؟! تحلیل‌گران سیاسی از دو زاویه به این مسئله نگاه می‌کنند؛ اما در همین جریان سیاسی بسیاری تأکید می‌کنند امید بستن به اروپا وقت تلف کردن است و بار دیگر باید با آمریکایی‌ها مذاکره کنیم؛ چنانکه روزنامه «شرق» در مطلبی با عنوان «اروپا و ایران در لحظه حساس» می‌نویسد: «برای در پیش گرفتن راهکارهای جدید در سیاست خارجی و جلوگیری از اهداف آمریکا برای انفعال ایران در حوزه دیپلماسی، ابتدا باید از خودمان شروع کنیم و شورای اسلامی و شرایط بد سبب رای این جریان برای انتخاب، به دنبال فرستادن پالس‌های متفاوت برای جامعه هستند تا به واسطه بازخوردها و واکنش‌های افکار عمومی به بهترین رویکرد و مواضع برای بازسازی سبب رأی خود دست یابند.

دارند بر چسب ننگ بی‌سواد و بی‌بصیرتی را روی خود بچسبانند؟! این هم گامی و هم سخنی با دشمن شک‌برانگیز نیست؟! چه دلیلی دارد سلبریتی‌های ما آتش نفرت جنگ را مشتعل کنند؟ آیا نفع خاصی از این ایجاد نفرت عایدشان می‌شود؟ این عصیت و حساسیت در فرهنگ شیعه جایی ندارد، اگر سیاسیون و سلبریتی‌ها معتقد به فرهنگ شیعی و دوری از نژادپرستی هستند، باید به جای دیدن در این خاکستر سرد به مهرپایی و محبت توصیه کنند. ناگفته نماند، در خاک عراق هم برخی‌ها که با علم استقلال‌خواهی، رویکردهای ضد ایرانی را دنبال می‌کنند، به‌تازگی به حشدالشعبی گفته‌اند در مقابل سیل و برای کمک به سیل‌زدگان، اول عراق و سپس کشورهای همسایه! آنجا هم کسانی هستند که نژادپرستی را دنبال کنند. در هر صورت مدعیان سیاسی در کشور ما هر از چند گاهی به یک جنجال نیاز دارند و جنجال نیز به آسمان و ریسمان بافتن نیاز دارد که این موضوع هم یکی از آنهاست؛ اما بحمدالله تیر آنها به خطا رفت و نتوانستند احساسات نژادپرستانه خود را به جامعه تحمیل کنند.

انعطاف‌پذیری و عدم تجدیدنظرپذیری در گام دوم

حسن‌خدادی / بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی که در آستانه چهل سالگی انقلاب اسلامی و ورود به دهه پنجم انقلاب، رهبر معظم انقلاب (مدظله‌العالی) خطاب به ملت ایران و به ویژه جوانان ارائه دادند، از سوی تحلیل‌گران و کارشناسان بسیاری ارزیابی شد و به منزله چراغ راهی برای آیندگان و نسل‌های بعدی مد نظر قرار گرفت. یکی از مهم‌ترین موضوعات در بخش‌های ابتدایی بیانیه، انعطاف‌پذیر بودن انقلاب و عدم تجدیدنظرپذیری است. رهبر معظم انقلاب در این بیانیه در بیان ویژگی‌های انقلاب اسلامی می‌فرماید: «انعطاف‌پذیر و آماده تصحیح خطاهای خویش است؛ اما تجدیدنظرپذیر و اهل انفعال نیست.» انعطاف‌پذیری و عدم تجدیدنظرپذیری دقیقاً دو مفهومی هستند که برخی جریان‌های سیاسی، احزاب، گروه‌ها و افراد مختلف نسبت به آنها همواره دچار افراط و تفریط می‌شوند. به کمک عقلانیتی همراه با ایمان و اراده می‌توان مرز میان انعطاف‌پذیری و تجدیدنظرطلبی را فهم و درک کرد.

مفهوم انعطاف‌پذیری‌بودن، در روش‌ها و تاکتیک‌های رسیدن به اهداف و آرمان‌های انقلاب اسلامی است؛ اما تجدیدنظرطلبی در راستای عبور و تخطی از ارزش‌ها، اهداف و آرمان‌های انقلاب اسلامی است. افراد و شخصیت‌های زیادی وجود دارند که در برهه‌های گوناگون انقلاب اسلامی موضع‌گیری‌های متفاوت و بعضاً متضادی به برخی اصول و آرمان‌های انقلاب اسلامی داشته‌اند که با هدف تجدیدنظرپذیری در اصول انقلاب اسلامی صورت گرفته است. یکی از مهم‌ترین موضوعات برای تجدیدنظرطلبی در عرصه سیاست خارجی است. در حوزه سیاست خارجی، عادی‌سازی روابط با دشمنان انقلاب اسلامی یکی از اصول مهمی است که تجدیدنظرطلبان به ویژه بعد از سال ۱۳۷۶ بر آن تأکید کرده‌اند و تلاش برای نزدیک شدن به غرب را در دستور کار خود قرار داده‌اند؛ بنابراین وقتی تأکید می‌شود انقلاب اسلامی تجدیدنظرپذیر نیست، دقیقاً در سیاست خارجی در تقابل با غرب‌گرایان و کسانی است که به دنبال بزرگ کردن سیاست‌های آمریکا و چهره خوشنظرطلب آن کشور هستند؛ اما وقتی رهبر معظم انقلاب (مدظله‌العالی) در مذاکرات هسته‌ای بر نرمش قهرمانانه تأکید داشته‌اند، این امر نشان‌دهنده مفهوم اولی یعنی انعطاف‌پذیری و انقلاب اسلامی در روش‌ها و تاکتیک‌های مقابله با آمریکاست. برخی افراد و گروه‌های سیاسی با تفکرات التقاطی سعی دارند مفهوم انعطاف‌پذیری و تجدیدنظرطلبی را یکسان بدانند و زمانی که نرمش قهرمانانه از سوی رهبر معظم انقلاب مطرح شد، آن را به معنی تجدیدنظر در اصول سیاست خارجی معنی کنند.

در سیاست داخلی نیز موضوعات گوناگونی مانند اقتصاد مقاومتی، اصل ۴۴ قانون اساسی برای خصوصی‌سازی و مفاهیمی مثل آزادی، اخلاق، استقلال و... دیگر مقوله‌هایی هستند که گرفتار هسمان‌پنداری بین انعطاف و تجدیدنظر شده‌اند. برای نمونه فهم استقلال یکی از مهم‌ترین این مفاهیم است. در حالی که جمهوری اسلامی ایران استقلال کشور را به معنی سلطه‌پذیر نبودن در مقابل قدرت‌های بیگانه تعریف کرده و در عرصه‌های مختلف نظامی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی تلاش نموده است تا از بازپچه شدن توسط قدرت‌های بیگانه اجتناب کند، مخالفان انقلاب اسلامی استقلال کشور را به معنی رابطه داشتن یا نداشتن با کشورهای خارجی تعریف می‌کنند. همچنین روابط ایران با روسیه و چین برای خنثی کردن سیاست‌های خصمانه آمریکا را نوعی انعطاف و تجدیدنظر در اصول مربوط به استقلال کشور دانسته و درصدد چنین روابطی با آمریکا و متحدانش هستند. آنها استفاده از پایگاه‌های نظامی ایران توسط جگنده‌های روسیه برای حمله به داعش را تجدید نظر در اصول استقلال تعریف می‌کنند؛ در حالی که این موضوع انعطافی در تاکتیک‌های نظامی بین دو کشور متحدی است که در مقابل تروریست‌های تکفیری عملیاتی شده است و به معنی عدول از اصول مربوط به استقلال کشور نیست. چنین مثال‌هایی نشان می‌دهند که دو مفهوم انعطاف‌پذیری و عدم تجدیدنظرطلبی از سوی انقلاب اسلامی ایران دقیقاً به معنی انعطاف در تاکتیک‌ها و روش‌ها و ثبات قدم و پایداری به اصول و ارزش‌های انقلاب اسلامی ایران است. وقتی موضوع دفاع از مستضعفان و مقابله با استکبار جهانی مطرح می‌شود یا زمانی که برای تحقق عدالت در کشور و در سطح جهانی مطرح می‌شود، دقیقاً هدف مورد نظر انقلاب اسلامی و اصولی که به آن پایبند است، غیرقابل خدشه و تجدید نظر است؛ اما رسیدن به هر یک از این اصول و آرمان‌ها نیازمند تاکتیک‌ها و روش‌هایی است که ممکن است در زمان‌ها و مکان‌های گوناگون انعطاف‌پذیر باشند و شکل‌ها و روش‌های مختلفی برای رسیدن به آنها وجود داشته باشد.

نوع حضور ایران در کشورهایی مانند عراق، سوریه، یمن، بحرین، لبنان و... دقیقاً نشان‌دهنده تفاوت جدی میان انعطاف در روش‌ها و پایبندی به اصول و عدم تجدیدنظر در آنهاست. اینکه ایران در بحرین و یمن مانند سوریه و عراق حضور پررنگی ندارد، به معنی تجدید نظر در اصول سیاست خارجی خود نیست، بلکه انعطاف در روش‌ها و تاکتیک‌ها بنا به مقدرات و محدودیت‌های زمانی و مکانی است و درک این تفاوت برای هر انقلابی پایبند به اصول جمهوری اسلامی ایران ضروری است. تفکیک میان انعطاف و تجدیدنظر از ضرورت‌های جدی به شمار می‌آید که آیندگان انقلاب اسلامی آن را بیشتر درک خواهند کرد.



یادداشت

بازی نفتی آمریکا؛ فرضیات و پیامدها



محمدرضا فرهادی کارشناس بین الملل

پس از هفته‌ها تهدید به عدم تمدید معافیت خرید نفت از ایران و به صفر رساندن نفت ایران از سوی دولت آمریکا، وزارت خارجه این کشور اعلام کرد ترامپ قصد تمدید معافیت‌های تحریمی ایران را ندارد و کشورهای خریدار نفت ایران باید واردات نفت از ایران را قطع کنند. آمریکا از آبان ماه سال گذشته به مدت شش ماه به هشت کشور خریدار نفت ایران معافیت تحریمی داده بود که با پایان آن در ۱۵ اردیبهشت‌ماه سال جاری، این کشورها نباید نفت ایران را خریداری کنند. براساس تصمیم دولت آمریکا باید چند فرض را برای آینده در نظر گرفت که براساس آنها، پیامدها و آینده بازار نفت پیش‌بینی می‌شود:
الف- کشورهای واردکننده نفت ایران مانند هند، چین و ترکیه به تحریم‌های آمریکا پایبند باشند و هیچ‌گونه نفتی از ایران خریداری نکنند.
ب-بازار با کمبود نفت مواجه شود و همین امر به شوک قیمتی در بازار مصرفی منجر شود.
ج-عربستان و امارات بنابر مواضع اعلامی خود کمبود نفت ایران را جبران کنند.
د-د ایران در برابر تحریم‌های اعمال‌شده واکنش نشان دهد.
بر اساس این چهار فرض، می‌توان پیامدها و آینده بازار را برحسب گزینه‌ها به ترتیب زیر عنوان کرد:

۱- بر اساس فرض اول کشوری مانند چین روزانه به طور متوسط ۷۰۰ هزار بشکه نفت از ایران خریداری می‌کند. این کشور از سه منظر توان چشم‌پوشی از نفت ایران را ندارد:
- جایگزینی برای نفت ایران وجود ندارد؛ - آمریکا بنابر جنگ اقتصادی با چین به جایگزینی نفت ایران، این کشور باید نفت خود را از کشورهای عربی خریداری کند. از این منظر نگرانی اصلی چین وابسته بودن کشورهای عربی به آمریکاست که چنانچه جنگ تجاری با آمریکا به اوج برسد، این کشورها از حربه انرژی علیه چین به نفع هم آمریکا استفاده کنند.

هندوستان نیز با توجه به مقررن به صرفه بودن نفت ایران از بُعد خرید مانند مسافت و حق بیمه، مرغوب بودن نفت ایران و تمایل شرکت‌های خصوصی برای خرید نفت از ایران، احتمالاً به تحریم‌های آمریکا پایبند نخواهد بود. ترکیه نیز بر اساس مناسبای دوجانبه، همسایگی با ایران و نیاز شدید این کشور به انرژی ایران به دلیل کمبود منابع زیرزمینی با تحریم‌های آمریکا همراهی نخواهد کرد.

۲- فرض دوم شوک قیمتی در بازار نفت است. این امر طی چند روز گذشته تأثیرات خود را با افزایش قیمت نفت نشان داد.

۳- در رابطه با فرض سوم و اعلام جایگزینی نفت عربستان و امارات با نفت ایران باید به چند نکته توجه کرد: - عربستان و امارات توان ۲ میلیون بشکه نفت صادراتی ایران را حداقل در مقطع فعلی ندارند و این اعلام آمادگی بیشتر جنبه روانی دارد. بارها مسئولان این کشورها اعلام کرده‌اند که ظرفیت آنها در مقطع فعلی بسنده کردن به وضع موجود است. - عربستان روزانه ۱۲ میلیون بشکه نفت تولید می‌کند. این میزان تولید در خوش‌بینانه‌ترین حالت است که سهم بازار مصرفی ۱۰ میلیون بشکه است. عرضه بیش از این به بازار مساوی است با کاهش قیمت نفت در بلندمدت که بودجه کشورهای نفتی در آینده را کاهش می‌دهد. - عربستان سعودی در بهترین حالت توان جایگزینی ۵۰۰ هزار بشکه نفت را دارد. خالدالفلاح وزیر انرژی عربستان نیز اعلام کرده است که توان بیش از این در مقطع فعلی امکان‌پذیر نیست.

۴- بر اساس فرض چهارم و با احتمال کاهش فروش نفت، ایران می‌تواند در برابر کنش آمریکا واکنش متناسب انجام دهد. این واکنش بر اساس مسائل موجود متفاوت خواهد بود. در رابطه با این فرض یک نکته کلیدی باقی خواهد ماند و آن مسئله مقاومت ایران است. با فرض کاهش صادرات نفت و مقاومت ایران، آخرین گزینه واکنشتن که به نوعی فشاری غیر مسلحانه است به سنگ خواهد خورد و راهبردهای آینده آمریکا برای فشار بر ایران با چالش جدی مواجه خواهد شد.

رصد

وایایش آخرین اخبار منطقه و جهان

یورونیوز: پس از خروج آمریکا از برجام و در حالی که دست ایران از برگ‌های برنده برای چانه‌زنی خالی به نظر می‌رسد، بعید است که این کشور، دست‌کم در کوتاه‌مدت در موضع ضعف حاضر شود و با ایالات متحده مذاکره کند. به نظر می‌رسد، دولت روحانی، با پذیرش تحت نظارت رفتن کامل فعالیت‌های هسته‌ای ایران در برجام، بزرگ‌ترین اهرم فشار خود را از دست داده است. آنچه در اختیار این کشور می‌ماند، حضور نظامی مستقیم یا نیابتی در منطقه و تهدید متحدها سنستی آمریکا است.

جین دین، تحلیلگر نظامی آمریکا: بدترین جایبکنکاران در آمریکا به بالاترین مقامات سیاسی رسیده‌اند. ایران کارنامه خوبی برای غلبه بر تحریکات و حوادث دارد. پنتاگون به دنبال حملات ساختگی به نام سپاه ایران است. نئون‌کاه‌های طرفدار جنگ در کاخ سفید در میان نظامیان وزارت دفاع محبوب نیستند.

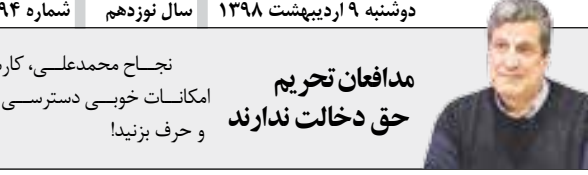
روزنامه هیل: وزیر خارجه آمریکا در جلسهای با گروهی از رهبران جامعه آمریکایی‌گفت، ترامپ به هیچ وجه به دنبال تغییر نظام سیاسی ایران از طریق مداخله مستقیم نظامی نیست. **اسپوتنیک**: ایرانی‌ها حتی اگر همه شروط پمپئو و ترامپ را بپذیرند و هر آنچه آمریکا می‌تواند اطاعت کنند، باز هم هیچ تضمینی وجود ندارد که شر ایالات‌متحده از سرشان کم شود. ماجرای تحریم خرید نفت ایران مسئله جدیدی نیست؛ بلکه کینه‌های هفتاد ساله است که لای‌های قدرت در ایالات‌متحده از زمان ملی شدن صنعت نفت در ایران یدک می‌کشند.

بلومبرگ: ایران با تحریم‌های آمریکا در تنگنای مالی است؛ اما شواهدی وجود ندارد که اثبات کند این مسئله سبب بازنگری ایران در سیاست‌های خاورمیانه‌ای خود شده است. با وجود اعلام مقامات آمریکایی مبنی بر تأثیر مثبت تحریم‌ها بر ایران، «حزبالله» همچنان قدرتمندترین نیرو در لبنان است؛ «حوثی‌ها» در یمن به طور منظم به سربازان ائتلاف سعودی حمله می‌کنند و «بشار اسد» به سوریه روز به روز قدرت خود را بیشتر تحکیم می‌کند. سیاست ایران در خاورمیانه بر اساس میزان پولی که در اختیار دارد تعیین نمی‌شود، بلکه مطابق آنچه حکومت ایران بر اساس منافع امنیتی خود تشخیص می‌دهد، تعیین می‌شود.

کنسرسیوم نیوز: پس از تمدید نشدن معافیت‌های تحریم نفتی ایران، فرماندهان ایرانی اعلام کرده‌اند، بستن تنگه هرمز یکی از گزینه‌های آنهاست. در صورتی که مقامات تهران به این جمع‌بندی برسند که راه دیگری در مقابله با واکنشتن وجود ندارد، از این گزینه استفاده خواهند کرد؛ اقدامی که مانند بمب هسته‌ای قدرتمند است.

ان پی آر، رادیو ملی آمریکا: سیاست تحریم نفتی ایران واقع‌گرایانه نیست و موفق نخواهد شد؛ همانطور که سیاست تغییر رژیم ایران که وزیر خارجه آمریکا دنبال می‌کند، توهمی بیش نیست. به ونزوئلا نگاه کنید؛ آمریکا با وجود آن همه کشور متحد هنوز نتوانسته است به اهداف خود در این کشور دست یابد. این در حالی است که ونزوئلا با ایران قابل مقایسه نیست. **فاکس نیوز**: راهبر دولت ترامپ تنها به فشار بر مردم ایران می‌افزاید. آمریکا می‌تواند رنج زیادی بر ایران تحمیل کند؛ اما قادر نخواهد بود موج اعتراضات داخلی را برای تغییر حکومت یا رفتار ایران به راه بیندازد؛ ایران با اپوزیسیون سازمان‌یافته‌ای در عمل مواجه نیست. اعتقاد به اینکه واکنشتن می‌تواند از شر ایران خلاص شود، رویاپردازی است.

القدس العربي: «عمران خان» نخست‌وزیر پاکستان در مقطعی حساس به تهران سفر کرده است. او می‌خواهد در روابط کشورش با اصلی‌ترین بازیگران منطقه، یعنی عربستان و ایران، توازن ایجاد کند. آمریکا و متحدانش در منطقه، اگر به این برداشت برسند که پاکستان در دور زمن تحریم‌ها به ایران کمک می‌کند، به نفع عصبانی خواهند شد.



مدافعان تحریم حق دخالت ندارند

هادی محمدی

هادی محمدی / فتاوی
مرجعیت اعلی عراق در اعلام وجوب جهاد کفایی برای مقابله با تروریسم داعشی– وهابی، یک سر فصل مهم در تحولات راهبردی در غرب آسیا بود. هجوم جوانان غیور عراقی به مراکز ناامنوبسی و ساماندهی که یگان‌های نظامی با هویت جدید مردمی تشکیل دادند، یک رخداد نظامی‌ارزیابی می‌شود که پروژه تروریستی برای هر هم زدن ژئوپلیتیک منطقه‌ای و ساقط کردن حکومت‌های مستقل و مردمی را عقیم گذاشت و نابود کرد. این اقدام به دلایل گوناگونی، دارای ارزش نظامی سرنوشت‌ساز بود.

ویژگی پروژه تروریستی داعشی– وهابی

ویژگی پروژه تروریستی داعشی– وهابی این نبود که عقبه‌ای از یکصد کشور جهان و با هدایت سرویس‌های جاسوسی واطلاعاتی قدرت‌های جهان و حمایت مالی دیکتاتورهای عربی دارد، بلکه این پروژه از یک چتر نقابدار حمایتی غربی با نام ائتلاف مبارزه با تروریسم– برخوردار بود تا نقشه راه و گام‌های برنامه‌ریزی شده را به ثمر برساند؛ یعنی ظرفیت تروریستی حداقل چهار صد هزار نفری در عراق و سوریه، از طریق یک شبکه نظامی، اطلاعاتی و مراقبتی غربی که هزاران نظامی را شامل می‌شوند، مدیریت و هدایت می‌شد.

مقامات نظامی آمریکایی به صراحت اعلام کردند، عمر این پدیده تروریستی ۳۰ سال خواهد بود؛ البته این عمر سی ساله را، دوره مبارزه با آن معرفی کردند؛ یعنی کار ویژه این پدیده تروریستی در غرب آسیا باید این دوره زمانی را در بر گیرد. آنچه موجب شد حشداالشعبی در یک دوره سه ساله، بساط داعش را در هم بپیچد، توانمندی‌های نظامی آن نبود؛ چرا که تروریسم داعش از همه جنگ‌افزارهای پیشرفته و حمایت‌ها و تجارب و مدیریت گسترده غربی بهره‌مند بود؛ بلکه ایمن پیروزی مدیون و متکی بر مؤلفه‌های دیگری بود که حشداالشعبی را به یک عنصر استراتژیک منطقه‌ای و به موازات دیگر سازمان‌های مقاومت

فراسو

سلیمان غفاری

آیا سودان راه مصر را طی می‌کند؟

سلیمان غفاری / کشور سودان به‌دنبال موج بیداری اسلامی در سال ۲۰۱۱ م، که شعله‌های آن از تونس آغاز و به کشورهای لیبی، مصر و یمن کشیده شد، با تظاهرات گسترده مردمی مواجه شد؛ اما توانست با وعده برخی آزادی‌های سیاسی، ارانه کمک‌های اقتصادی و نوید اشتغال برای جوانان، از موج اول این اعتراضات به سلامت عبور کند؛ اما موج دوم این اعتراضات حدود چهار ماه پیش و در پی بحران اقتصادی و افزایش قیمت سوخت در این کشور جرقه زد که بعدها سطح این اعتراضات به برکناری عمرالبشیر از قدرت منتقل شد و مردم خواستار اتمام حاکمیت سی ساله وی در سودان شدند. نیروهای امنیتی سودان در ابتدا با خشونت و استفاده از قوه قهریه به خواسته‌های معترضان پاسخ دادند و به بازداشت گسترده مخالفان پرداختند؛ اما این دستگیری‌ها راه به جایی نبرد و نتوانست مانع اعتراضات مردمی شود. عمرالبشیر، رئیس‌جمهور سودان، که با کودتای نظامی علیه صادق‌المهدی نخست‌وزیر وقت به قدرت رسیده بود، با کودتای نظامیان از قدرت برکنار شد. اصرار بر گرایش‌ها و تمایلات ضد غربی و اخوانی و حمایت از فلسطینی‌ها، سبب شده بود مردم از بسیاری مشکلات جاری در کشورشان که، عمدتاً اقتصادی بود چشم‌پوشی و همچنان از دولت حمایت کنند؛ اما به‌محض چرخش عمرالبشیر به سوی کشورهای عربی خواستار عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی و همچنین نزدیکی و میل به کشورهای غربی، نگاه مردم نیز به دولت تغییر کرد.

به نظر می‌رسد شعارهای انقلابی معترضان سودان، بار دیگر خاطره شعار حماسی «الشعب یرید اسقاط النظام»؛ ملت خواستار سرنگونی نظام است، را که شعار اصلی بیداری اسلامی سال ۲۰۱۱ به بعد بود، در کشورهای عربی زنده کرده؛ اما آنچه در سودان اتفاق افتاد بیشتر با کودتای الیسی علیه محمدمرسی شباهت دارد؛ هر چند مرسی تنها یک سال حکومت کرد و بشیر حدود سه دهه است که در رأس قدرت قرار دارد. در سودان، وضعیت شبیه کودتای الیسی است و ارتش به طور مستقیم گرداننده اوضاع است؛ اما شواهد متعدد نشان می‌دهد مثلث ریاض، ابوظبی و قاهره در کودتای این کشور نقش جدی داشته و دارد. اگر به خواسته‌ها و روند مبارزات مردم سودان و مصر نگاهی بیندازیم، با این مسئله مواجه خواهیم شد که تشابهات بسیاری میان این حرکت‌ها وجود دارد و ممکن است سودان هم ادامه‌دهنده بیداری اسلامی باشد. همچنین اگر مردم، نخبگان و فعالان سیاسی و مدنی سودان در صحنه سیاسی حضور نداشته باشند، این خطر وجود دارد که مدلی شبیه به مصر در این کشور تکرار شود. این خطر در سودان جدی است، به ویژه اینکه فرایند انتقال قدرت در این کشور طولانی‌مدت است و احتمال اینکه نظامیان به راحتی قدرت را به غیر نظامیان واگذار نکنند بعید نیست؛ گرچه برای فرونشاندن خشم و اعتراضات مردمی در ظاهر اعلام کردند که قدرت به غیرنظامیان واگذار خواهد شد. هر حال این مهم است و باید مدنظر قرار

بگیرد، نتایجی است که از چنین اقدامات و اعتراض‌هایی به دست می‌آید؛ بنابراین هنوز که چالش بین مردم و دولت نظامی سودان گام‌های اولیه را بر می‌دارد، زود است که حکم صادر کنیم و نتیجه بگیریم. در مجموع پیرامون کودتای سودان می‌توان به سه هدف تحلیلی زیر اشاره کرد:

۱- با کودتای نظامی در سودان گامی پیش‌دستانه برداشته شد؛ زیرا محتمل بود با پیشرفت مخالفت‌های واقعی با عمرالبشیر و موفقیت این تعارض‌ها و مخالفت‌ها در ایجاد تغییر و تحول اساسی در سودان، نقش این کشور در یمن هم تغییر ماهیت دهد.

۲- هدف دوم از ایجاد کودتای نظامی در سودان خاتمه دادن به ایفای نقش کشورهای قطر و ترکیه در سودان با اعمال تسلط مهره سعودی‌ها و اماراتی‌ها بر این کشور است.

۳- هدف سوم تسهیل و هموارسازی ارائه کمک‌های مالی عربستان و امارات به سودان با کنار زدن عمرالبشیر است که تحت تحریم‌های بین‌المللی قرار دارد تا بدین‌سان با آرام کردن فضای افکار عمومی در سودان بستر توسعه حضور نظامی این کشور در یمن فراهم شود.

با وجود این سودان روزهای مهم و سرنوشت‌سازی را پیش رو دارد. چنانچه مردم به توافق پشت پرده رهبران اعتراضات با ارتش رضایت دهند، انقلاب و بیداری مردم سودان هم سرنوشتی جز انقلاب مصر نخواهد داشت.

واکاوی کارنامه درخشان حشداالشعبی؛



از بده بستان‌های رایج و امتیازخواهی رندانه که معمولاً آمریکا و متحاند عرب منطقه‌ای آن با عراق داشتند، خود را به اثبات برساند. حشداالشعبی و مقامات عراقی با جان خود احساس کردند که همراهی و جانفشانی مستشاران ایرانی، فقط برای نجات کشور و مردم عراق و قدرتمند کردن آنها در مقابل پروژه‌های استعماری است و قدرت عراق را قدرت خود می‌دانند. این باور عمیق فقط در جامعه بزرگ شیعه عراق تجلی نداشت، بلکه بقیه مخلوقات و گروه‌های اجتماعی عراق از کرد، ترکمن، ایزدی و مسیحی و به ویژه اهل سنت عراق نیز آن را با چشم خود دیدند. این همبستگی انسانی و اسلامی همان رخدادی است که غرب وحشی و ابزارهای تروریستی آن قادر به تحمل و پذیرش آن نبودند؛ به ویژه اینکه این فرهنگ جهادی و

ایثارگری و دفاع از کیان اسلامی در بین جوانان عراقی نیز ریشه داشت و اولین گروه‌های مدافع حرم تحت ننام «مقدس العباس» وارد سوریه شده بودند. **ویژگی دیگر حشداالشعبی که هویت استراتژیک امروزی را برای آن به وجود آورده است، بهره‌مندی از فرهنگ جهادی، غیر کلاسیک، ایثارگرانه و نامتقارن بود که از اهرم‌های کنترلی آمریکا و کشورهای غربی در امان بود و قادر نبود در روند اقدامات و تلاش‌های حشداالشعبی و مبارزه با تروریسم داعش اثرگذاری کند**

این رفتار برادرانه و همراهی ایثارگرانه که خون مستشاران نظامی ایران و نیروهای حشداالشعبی را جعین کرده و در دفاع از عراق و همه اقوام و طوایف، در مقابل داعش بر زمین ریخت، باوری عمیق در پیوند دو ملت و کشور به وجود آورد تا مرزهای جغرافیایی و سیاسی در مقابل آن کمرنگ شوند.

ایمن روابط عمیق موجب شد مناسبات نظامی ایران و عراق، فراتر از مرزهای جغرافیایی و سیاسی قرار گیرد. **حشداالشعبی و گروه‌های مقاومت دیگر جرقه شکل‌گیری امت واحد**
این تجربه‌ای بزرگ بود؛ چرا که به جز دستاوردهای نظامی در مبارزه با داعش و امنیت‌سازی برای عراق و سوریه و منطقه، گروه‌های

نجاح محمدعلی، کارشناس سیاسی خطاب به مجریان و کارشناسان یک شبکه ضد انقلاب می‌گوید: شما که خارج از کشور هستید و به امکانات خوبی دسترسی دارید، چه کمکی به سیل‌زده‌ها در ایران کردید! شما که از تحریم هلال احمر و… دفاع می‌کنید حق ندارید دخالت کنید و حرف بزنید!

واکاوی کارنامه درخشان حشداالشعبی؛

از مبارزه با تروریسم تا کمک به سیل‌زدگان

مقاومت منطقه‌ای در کشورها را بدون اینکه مرزهای مصنوعی و جغرافیایی را مانعی برای همدلی و همبستگی بدانند، در یک پیکره واحد، هم‌فکر، هم معیار و همراه در کنار هم قرار داد. این جرقه آغازین برای شکل‌گیری امت واحد اسلامی است که بر پیکر استعمارگران، صهیونیسم و دیکتاتورهای دست‌نشانده کشورهای عربی لرزه انداخته است. این پدیده‌ای است که حشداالشعبی و گروه‌های مقاومت منطقه‌ای و محور اصلی آنها را که سپاه پاسداران است، به خار چشم قدرت‌های استکباری تبدیل کرده و با حرب‌های ناکارآمد آنها را تحریم یـا متهم می‌کنند. اگر امروز شاهد حضور یگان‌های مهندسی و نیروهای داوطلب از حشداالشعبی عراق برای کمک‌رسانی به مردم سیل‌زده جنوب کشور هستیم، این بازتاب و استمرار همان رخدادی است که فاطمیون افغانستان و دیگر گروه‌های مقاومت برای مشارکت در مبارزه با داعش و دفاع از کیان اسلامی و سیاسی کشورهای مستقل در عراق و سوریه شاهد بودیم.

امروز در کنار حشداالشعبی مجموعه‌هایی از حزب‌الله لبنان و فاطمیون افغانستان و دیگر جهادگران مقاومت منطقه‌ای را در خوزستان شاهد هستیم که وظیفه کمک‌رسانی به مردم ایران را همانند یک واجب کفایی در مبارزه با داعش تلقی می‌کنند. اگر برخی حلقوم‌های آلوده از حضور نیروهای مقاومت برای کمک‌رسانی به مردم سیل‌زده نعره می‌زنند، آن را باید فریادهای استکبار، صهیونیسم و دیکتاتورهای عربی شکست‌خورده بدانیم که به جز ناکامی در پروژه تروریسم داعش، بنیان نفوذ استعماری و نامشروع آنان را به خطر انداخته و چشم‌اندازی تاریک روی انسان قرار داده است. ایثارگری و جانفشانی مستشاران ایرانی در عراق و سوریه و چند دهه قبل در لبنان و افغانستان امروز به بار نشسته و به موازات هم‌افزایی و همدلی در مقابل تهدیدات و چنگ‌اندازی‌های استعماری و استکباری «ید واحد» هستند و به آن پاسخ می‌دهند.

امروز در کنار حشداالشعبی مجموعه‌هایی از حزب‌الله لبنان و فاطمیون افغانستان و دیگر جهادگران مقاومت منطقه‌ای را در خوزستان شاهد هستیم که وظیفه کمک‌رسانی به مردم ایران را همانند یک واجب کفایی در مبارزه با داعش تلقی می‌کنند. اگر برخی حلقوم‌های آلوده از حضور نیروهای مقاومت برای کمک‌رسانی به مردم سیل‌زده نعره می‌زنند، آن را باید فریادهای استکبار، صهیونیسم و دیکتاتورهای عربی شکست‌خورده بدانیم که به جز ناکامی در پروژه تروریسم داعش، بنیان نفوذ استعماری و نامشروع آنان را به خطر انداخته و چشم‌اندازی تاریک روی انسان قرار داده است. ایثارگری و جانفشانی مستشاران ایرانی در عراق و سوریه و چند دهه قبل در لبنان و افغانستان امروز به بار نشسته و به موازات هم‌افزایی و همدلی در مقابل تهدیدات و چنگ‌اندازی‌های استعماری و استکباری «ید واحد» هستند و به آن پاسخ می‌دهند.

خارجی در حیطا خلوت روسیه حساسیت نشان داد. سیاست گرایش به شرق ناتو نیز علماً برخلاف ایمن نگاه بود. علاوه بر آن اختلافات دو طرف در سوریه نیز این شاکف را گسترش داد. قطع روابط نظامی و غیر نظامی میان ناتو و مسکو در برهه کنونی به این دلیل است که تا زمانی سازمان پیمان آتلانتیک شمالی برگزاری رزمایشی را با حضور نیروهای کشورهای بلغارستان، یونان، کانادا، آمریکا، هلند، رومانی، گرجستان، اوکراین و ترکیه در دریای سیاه خبر دادند. صفاتی که دو طرف در دریای سیاه در حالی شکل گرفت که اعضای پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) برای گرامیداشت هفتادمین سالگرد تأسیس خود در آمریکا گرد هم آمدند و بر اتخاذ تدابیر جدی تر علیه روسیه و افزایش نیرو در دریای سیاه به توافق رسیدند.

در دکترین و چشم‌انداز سیاست خارجی مسکو، گسترش ناتو به شرق خط قرمزی محسوب می‌شود که گذر از آن تحت هیچ عنوانی برای مقامات روسی موضوعیت ندارد. علاوه بر این، رقابت ژئوپلیتیکی ناتو و روسیه افزایش یافته است. ناتو پس از فروپاشی شوروی، در سه مرحله طی سال‌های ۲۰۰۴، ۲۰۰۹ و ۲۰۰۹ برخی کشورهای اروپای شرقی را که بیشتر در قلمرو شوروی قرار داشتند به عضویت این سازمان درآورد. علاوه بر این حمایت ناتو از خروج آمریکا از پیمان موسکی با روسیه نیز بر تعمیق بحران دوجانبه افزوده است. در عین حال اقدامات ناتو به ویژه استقرار سامانه‌های ضد موشکی در شرق اروپا به سوءظن روس‌ها درباره اهداف واقعی ناتو بیش از پیش افزوده است. از دیدگاه مسکو، هدف واقعی این اقدام، تعقیف توان بازدارنده هسته‌ای راهبردی روسیه است. به نظر می‌رسد تنش میان روسیه و ناتو همچنان رو به افزایش باشد. نکته کلانوی این تنش در شرایط کنونی نیز دریای سیاه خواهد بود زیرا روس‌ها در حال تقویت ناوگان خود در این منطقه هستند.

روزنه

چشم‌انداز تنش روسیه با ناتو

محمدرضا مرادی / روابط

روسیه با ناتو پس از دوران جنگ سرد در بدترین شرایط خود به سر می‌برد. پس از بحران اوکراین، سران ناتو، موضع‌گیری‌های گوناگونی علیه روسیه داشتند و حتی در مواقعی کار به تهدید نظامی علیه روسیه رسید. ناتو روسیه را تهدید کرد که اگر بخواند نیروی نظامی وارد اوکراین کند، پیمان آتلانتیک شمالی نیز از اوکراین دفاع خواهد کرد؛ اما صحبت‌های اخیر معاون وزارت خارجه روسیه نشان‌دهنده تقابل شدید مسکو با ناتو است. «الکساندر گروشکو» معاون وزیر امور خارجه روسیه اعلام کرد که ناتو خود را از دستور کار روابط دوجانبه با روسیه خارج کرده و روابط دو طرف قطع شده است. همچنین هیچ نشانه‌ای مبنی بر تغییر این رویکرد دیده نمی‌شود؛ اما دلایل تشدید اختلافات میان روسیه و ناتو چه بوده و چشم‌انداز آن چگونه خواهد بود؟

بررسی تاریخ ناتو نشان می‌دهد این پیمان امنیت جمعی، تاکنون شاهد سه مرحله از تحولات بوده است؛ از پیدایش تا فروپاشی شوروی، پس از پایان جنگ سرد و از حادنه بازده سپتامبر به این سو. بنیان اولیه ناتو که فلسفه وجودی آن ایجاد کمربند امنیتی به دور مومکرانسی‌های غربی و محاصره ابرقدرت شرق و آفقارش بود، در پیمان بروکسل گذاشته شد. با فروپاشی شوروی و پایان جنگ سرد، دشمن راهبردی ناتو از صحنه بین‌المللی حذف شده، در حالی که مأموریت جدید ناتو در بالکان و خارج از مرزهای اروپای غربی، تحول جدیدی را در رویکرد دفاعی ناتو به وجود آورد. روسیه در سال ۱۹۹۱ به عضویت شوروی همکاری آتلانتیک شمالی» درآمد. علاوه بر این، با امضای قرارداد «دیتون» در سال ۱۹۹۷ برخی نیروها و تجهیزات نظامی خود را به رهبری ناتو به عنوان نیروهای حافظ صلح به بوسنی و هرزگوین فرستاد؛ اما بحران کوزوو در سال ۱۹۹۹ سبب تشدید اختلافات میان روسیه و ناتو شد؛ زیرا مسکو با حملات نظامی به کوزوو مخالفت کرد و حملات ناتو به این منطقه همکاری دو طرف را به حالت تعلیق درآورد. البته این تعلیق چندان دوام نیاورد و در سال ۲۰۰۲ توافق رم میان مسکو و ناتو در مورد تعمیق همکاری‌ها امضا شد. حمله روسیه به گرجستان در سال ۲۰۰۸ را دیگر روابط ناتو و مسکو را وارد تنش کرد؛ اما در دوره باراک اوباما، رئیس‌جمهور سابق آمریکا، روابط با روسیه بار دیگر بهبود یافت و حتی توافق لیسبون میان ناتو و روسیه در سال ۲۰۱۰ امضا شد.

در واقع پتانسیل‌های اختلاف میان ناتو و مسکو از زمانی فعال شد که پوتین به شدت نسبت به دخالت قدرت‌های خارجی در حیطا خلوت روسیه حساسیت نشان داد. سیاست گرایش به شرق ناتو نیز علماً برخلاف ایمن نگاه بود. علاوه بر آن اختلافات دو طرف در سوریه نیز این شاکف را گسترش داد. قطع روابط نظامی و غیر نظامی میان ناتو و مسکو در برهه کنونی به این دلیل است که تا زمانی سازمان پیمان آتلانتیک شمالی برگزاری رزمایشی را با حضور نیروهای کشورهای بلغارستان، یونان، کانادا، آمریکا، هلند، رومانی، گرجستان، اوکراین و ترکیه در دریای سیاه خبر دادند. صفاتی که دو طرف در دریای سیاه در حالی شکل گرفت که اعضای پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) برای گرامیداشت هفتادمین سالگرد تأسیس خود در آمریکا گرد هم آمدند و بر اتخاذ تدابیر جدی تر علیه روسیه و افزایش نیرو در دریای سیاه به توافق رسیدند.

در دکترین و چشم‌انداز سیاست خارجی مسکو، گسترش ناتو به شرق خط قرمزی محسوب می‌شود که گذر از آن تحت هیچ عنوانی برای مقامات روسی موضوعیت ندارد. علاوه بر این، رقابت ژئوپلیتیکی ناتو و روسیه افزایش یافته است. ناتو پس از فروپاشی شوروی، در سه مرحله طی سال‌های ۲۰۰۴، ۲۰۰۹ و ۲۰۰۹ برخی کشورهای اروپای شرقی را که بیشتر در قلمرو شوروی قرار داشتند به عضویت این سازمان درآورد. علاوه بر این حمایت ناتو از خروج آمریکا از پیمان موسکی با روسیه نیز بر تعمیق بحران دوجانبه افزوده است. در عین حال اقدامات ناتو به ویژه استقرار سامانه‌های ضد موشکی در شرق اروپا به سوءظن روس‌ها درباره اهداف واقعی ناتو بیش از پیش افزوده است. از دیدگاه مسکو، هدف واقعی این اقدام، تعقیف توان بازدارنده هسته‌ای راهبردی روسیه است. به نظر می‌رسد تنش میان روسیه و ناتو همچنان رو به افزایش باشد. نکته کلانوی این تنش در شرایط کنونی نیز دریای سیاه خواهد بود زیرا روس‌ها در حال تقویت ناوگان خود در این منطقه هستند.

کلید واژه

مزیت نسبی

مزیت نسبی را دیوید ریکاردو، اقتصاددان انگلیسی پایه‌گذاری کرد و این تئوری در تکمیل تئوری مزیت مطلق آدام اسمیت مطرح شد. بر اساس مفهوم مزیت نسبی چنانچه کشوری کالایی را از دیگر کالاها ارزان‌تر تولید کند، در تولید چنین کالایی مزیت نسبی دارد. محور اصلی این نظریه هزینه فرصت است. هزینه فرصت یک کالا تمام چیزی است که از دست می‌دهیم تا آن کالا را به دست بیاوریم. تولیدکننده‌ای که هزینه فرصت او برای تولید کالایی کمتر است (کسی که باید از مقدار کمتری از کالای دیگر بگذرد تا این کالا را تولید کند) در تولید آن مزیت نسبی دارد.

مفهوم مزیت نسبی، ابتدا در زمینه تجارت بین‌الملل به کار برده شد. نفع هر کشوری در این است که به تخصصی شدن در تولید و ارائه کالاها و خدماتی بپردازد که در آن بهترین است و با مبادله مازاد آن با کشورهای دیگر نیاز خود به کالاها و خدمات دیگر را تأمین کند (که آنها نیز در تولید و ارائه آنها بهترین هستند). مللی که سعی می‌کنند خودکفا باشند، در واقع به نوعی فقر را در میان مردم خود گسترش می‌دهند؛ زیرا با تولید کالاهایی که در تولید آنها بهترین نیستند، آن کالا را با قیمتی بالاتر از قیمتی که کشورهای دیگر می‌توانستند ارائه دهند به مردم خود می‌فروشند؛ در حالی که می‌توانستند با آزاد گذاشتن مردمشان برای تولید کالاهایی که در تولید آنها بهترین‌اند، نهایت بهره‌وری و سود را به آنان اختصاص دهند.

یک کشور می‌تواند در تولید دو کالا مانند پارچه و نوشابه از یک شریک تجاری بهتر باشد؛ ولی باز هم برای آن کشور بهتر است که در تولید کالایی تخصصی شود که «نسبت» به شریک تجاری و کالای دیگر، بهتر آن را تولید می‌کند. این جایی است که واژه نسبی در عبارت مزیت نسبی موجودیت می‌یابد. بدین ترتیب هر کشوری با تخصصی شدن در تولید کالایی که نسبتاً مزیت بیشتری در تولید آن دارد، می‌تواند دیگر کالاها را مورد نیاز خود را با مبادله مازاد تولید خود با مازاد تولید دیگر کشورها تأمین کند. تخصصی شدن و انجام مبادله سبب می‌شود که هر یک از کشورها بتوانند بیشتر در حالتی که به تولید هر دو کالا می‌پردازند مصرف کنند. همین منطق برای شرکای تجاری بیشتر نیز صادق است. تجارت آزاد در میان ملت‌ها رفاه دو طرف تجاری را افزایش می‌دهد.

تولید با مزیت نسبی سبب افزایش آرامش و صلح‌جویی در روابط انسان‌ها می‌شود. وقتی افراد تخصصی می‌شوند و به مبادله می‌پردازند، به یکدیگر وابسته می‌شوند. این فرم از همکاری اجتماعی، انگیزه افراد را برای آسیب رساندن به شرکای تجاری خود کاهش می‌دهد؛ چرا که آنها برای تأمین نیازهای گوناگون خود به یکدیگر وابسته‌اند. در اینجا نیز آنچه برای افراد صدق می‌کند، برای کشورها نیز صادق است؛ کشورهایی که به دلیل تجارت آزاد با هم به هم وابسته شوند، بسیار کمتر مایلند که با یکدیگر بجنگند. بدین ترتیب با پیش رفتن هر چه بیشتر فرایند بین‌المللی تخصصی شدن در نتیجه تجارت آزاد، راه برای برقراری صلح جهانی هموارتر خواهد شد. از طریق همین تخصصی شدن و مبادله است که «تفاوت از یک نفرین به یک موهبت تبدیل می‌شود.» این روزها صحبت از خوبی‌های تنوع و گوناگونی مد و جاذب تأسف دارد که در بیشتر این بحث‌ها توجه بسیار کمی به اقتصاد می‌شود. وقتی مردم آزاد باشند تا با مزیت نسبی تولید کنند و سپس به مبادله آن بپردازند، تنوع انسانی به منشأ رفاه فزاینده مادی و بهبود روابط صلح‌جوانه میان آنها مبدل می‌شود. هر چه آزادی بیشتری برای شرکت در فعالیت‌های بازار به مردم دهیم، تنوع و گوناگونی انسان بیشتر، به موهبتی برای افزایش سود و بهبود صلح تبدیل می‌شود.

رؤیای بی تدبیر آمریکایی‌ها

■محمود رضایی/ رهبر معظم

انقلاب سال ۹۸ را سال رونق تولید نامگذاری کردند. بررسی‌ها نشان می‌دهد یکی از دلایل انتخاب این عنوان، رکورد اقتصادی حاکم بر تولید در سال‌های گذشته بوده که بسیاری از متغیرهای حقیقی و اسمی اقتصاد را تحت‌الشعاع خود قرار داده است. نرخ بالای بیکاری، تورم، جهش ارزی، ضریب جینی، نرخ پایین سرمایه‌گذاری و بسیاری از متغیرهای دیگر مواردی هستند که می‌توان مهم‌ترین عامل آنها را رکود اقتصادی عنوان کرد؛ بنابراین برای ایجاد تغییرات بنیادی در این حوزه‌ها باید در بخش تولید به عنوان بخش واقعی اقتصاد کشور تحولی صورت بگیرد.

هر چند عوامل متعددی را برای رکود اقتصادی حاکم بر کشور عنوان می‌کنند، در این یادداشت از منظر نظام پولی و مالی این رخداد بررسی شده است.

از جمله مهم‌ترین نهادهای تولید، تأمین مالی و سرمایه است. اگر برای بنگاهی همه عوامل تولید تهیه شده باشند، اما تأمین مالی محقق نشده باشد، این بنگاه تولیدی نمی‌تواند تولید داشته باشد؛ از این رو سرمایه و پول نقش بسزایی در تولید دارند.

گفتنی است آنچه مانع تزریق نقدینگی به بخش‌های تولیدی و مولد اقتصاد در کشور می‌شود، نرخ بهره بسیار بالا برای سپرده‌های بانکی است. زمانی که نرخ بهره بانکی بالا باشد، تسهیلات بانکی در بخش مولد اقتصاد سرمایه‌گذاری نخواهد شد و این تسهیلات برای کسب سود، سپرده‌گذاری خواهد شد که نتیجه آن رکود اقتصادی است.

یکی از مهم‌ترین متغیرهای کلان علم اقتصاد، نرخ سود تسهیلات بانکی است که تأثیر بسزایی بر شاخص تورم دارد؛ به طوری که با افزایش سود تسهیلات بانکی، هزینه استفاده از سرمایه افزایش می‌یابد که این امر به افزایش هزینه‌های تولید می‌انجامد. طبق نظریه تورم ناشی از فشار هزینه، با افزایش هزینه‌های تولید، منحنی عرضه کل به سمت

چپ منتقل می‌شود و بستر افزایش نرخ تورم را فراهم می‌کند.

چند سالی است که کاهش نرخ سود بانکی بحث روز فعالان اقتصادی، کارشناسان حوزه اقتصاد و مسئولان شده است و همگی بر این امر واقف هستند که نرخ بالای سود سپرده‌های بانکی سبب شده است تا بانک‌ها مجبور شوند برای پوشش آن، نرخ بالایی از تسهیلات پرداختی دریافت کنند. در حالی که میزان بازدهی تولید در کشور کمتر از ۱۰ درصد است، نرخ‌های سود پرداختی تسهیلات حدود ۲۰ درصد است که همین امر فعالان اقتصادی و تولیدکنندگان را با چالش‌های جدی در تأمین سرمایه در گردش خود مواجه کرده و عملاً دریافت تسهیلات برای آنها بازی سراسر باخت است؛ از این رو، مسئولان و نهادهای مربوط با کاهش نرخ تورم بر آن شدند تا با کم کردن نرخ سودهای بانکی، یکی از موانع موجود بر سر راه تولید در کشور را از میان بردارند.

بر اساس نظریه پولی تولید، از ارکان مهم تولید، پول و سرمایه است که می‌توانند چرخه تولید را تسهیل کنند. اگر نرخ بهره بالا باشد، امکان هدایت اعتبار برای بخش تولید فراهم نخواهد شد؛ بنابراین همچنان بخش تولید در رکود به سر خواهد برد. در

همین زمینه باید گفت عمده افزایش نقدینگی در سال‌های گذشته، ناشی از سود بالای بانکی بوده که به هیچ عنوان ارتباطی با بخش مولد و واقعی اقتصاد ندارد.

■ **خلق پول و نقدینگی زمانی می‌توانند مؤثر واقع شود که هدایت اعتبار به بخش‌های تولیدی با تغییرات نرخ بهره بانکی امکان‌پذیر باشد؛ البته ذکر این نکته مهم است که سیاست‌های مکملی مانند مالیات بر عایدی سرمایه، قانون تراکنش‌های بانکی، بهبود فضای کسب‌وکار و... باید به طور هم‌زمان شکل بگیرند تا این سیاست به خوبی اجرا شود**

از سوی دیگر نرخ بهره بانکی، تعیین‌کننده هدایت اعتبار به بخش‌های اقتصادی است. زمانی که این نرخ بالا باشد، به جای آنکه منابع جدید پولی به بخش‌های تولیدی و مولد اقتصاد هدایت شود، عمده آن در اختیار بخش‌های غیرمولد و پرسود قرار می‌گیرد یا به بدهی‌های معوق تبدیل می‌شود.

این وضعیت دو نتیجه خواهد داشت؛ نخست آنکه سیکل رشد نقدینگی دوباره شدت خواهد گرفت؛ زیرا بهره سپرده همچنان سبب رشد نقدینگی از مسیر پرداخت سود

کاهش نرخ سود بانکی؛ شرط لازم برای رونق تولید



سپرده خواهد شد. دوم آنکه پول خلق شده به بخش تولید هدایت نخواهد شد و بخش غیرمولد را گسترش خواهد داد؛ زیرا زمانی که بافرض سود سپرده‌ها ۲۰ تا ۳۰ درصد باشد، باید بخش تولید حداقل ۵۰ درصد سود داشته باشد تا تسهیلات به سمت تولید برود؛ البته می‌توان گفت با وضعیت فعلی سود سپرده‌ها این امر ممکن نیست؛ بنابراین اگر نرخ سود بانکی اصلاح شود، حجم زیادی از پول موجود و مهم‌تر از آن خلق پول جدید به بخش‌های حقیقی اقتصاد هدایت می‌شود و سهم شبه پول (سپرده‌هایی که به آنها سود تعلق می‌گیرد) کاهش می‌یابد. برای این کار اعمال جریمه به منظور برداشت زودتر از موعد از سپرده‌های بلندمدت و همچنین زمان‌بسر کردن فرایند درخواست سپرده و پرداخت پول سپرده‌گذار، پیشنهاد می‌شود سپرده‌گذاری برای دریافت سودهای کلان بانکی هزینه‌بر باشد و حجم سپرده‌های بلندمدت در اقتصاد کاهش یابد.

این اقدام‌ها در کنار سیاست‌های مکملی مانند مالیات بر عایدی سرمایه، که مانع می‌شود پول‌ها به سمت بازارهای موازی مانند مسکن، ارز و طلا بروند، می‌تواند رونق دهنده بخش تولید باشد. آمار میانگین نرخ سود سپرده

بیزن زنگنه، قصد آمریکا در به صفر رساندن صادرات نفت ایران را «رؤیای بدون تعبیر» خواند و گفت: «آمریکا و هم‌پیمانان منطقه‌ای آن، از نفت به عنوان سلاح سیاسی استفاده می‌کنند؛ اما منتظر باشند که دود این تصمیم به چشم خودشان برود امروز صنعت نفت در نوک پیکان جنگ تجاوزه گرایانه اقتصادی آمریکا قرار دارد اما رؤیای به صفر رساندن صادرات نفت ایران هرگز محقق نمی‌شود. برخی کشورهای منطقه ظرفیت تولید خودشان را بیش از میزان واقعی اعلام می‌کنند و بر همین اساس نمی‌توان وضعیت بازار را پیش‌بینی کرد.»

بانک‌ها طی سال‌های ۹۱ تا ۹۷، حدود ۲۰ درصد و میانگین رشد نقدینگی ۲۶ درصد است. این اعداد نشان می‌دهد حداقل ۸۰ درصد رشد نقدینگی از ناحیه نرخ سود بانکی است. مهم‌ترین عامل رشد پایه پولی و اضافه برداشت بانک‌ها، نرخ‌های بهره‌ای است که برای سپرده‌ها وجود دارد و بانک‌ها مجبور هستند برای پرداخت سود، علاوه بر اینکه به اضافه برداشت اقدام کنند، خلق اعتباری صورت دهند که فقط به حجم شبه پول می‌افزاید و اثر دیگری ندارد.

با توجه به داده‌های بانک مرکزی، از حجم نقدینگی ۱۷۶۴ هزار میلیارد تومانی حدود ۱۵۱۹ هزار میلیارد تومان آن (حدود ۸۶ درصد) شبه پول است و تنها ۲۴۴/۶ هزار میلیارد تومان (حدود ۱۴ درصد) سهم پول از کل نقدینگی است.

مطابق با این آمار و با توجه به شرایط فعلی نظام بانکی، یعنی پرداخت سودهای بسیار بالا به سپرده‌ها، هر گونه خلق پول و اعتبار جدید در نظام بانکی، تنها به حجم شبه پول می‌افزاید. در این صورت نه تنها تغییری در ترکیب نقدینگی صورت نخواهد گرفت، بلکه سهم شبه پول بیشتر و بیشتر خواهد شد.

مهم‌ترین راهبر در اصلاح این روند، کاهش نرخ سود بانکی است. به دنبال این امر شبه پول، یعنی سپرده‌های بلندمدت و کوتاه‌مدتی که سود روی آنها پرداخت می‌شود، کاهش می‌یابند و انگیزه برای استفاده از آنها در جریان اقتصادی افزایش بیشتر می‌شود.

در موضوع هدایت اعتبار نیز این مسئله بسیار جدی است که خلق پول و نقدینگی زمانی می‌تواند مؤثر واقع شود که هدایت اعتبار به بخش‌های تولیدی با تغییرات نرخ بهره بانکی امکان‌پذیر باشد؛ البته ذکر این نکته مهم است که سیاست‌های مکملی مانند مالیات بر عایدی سرمایه، قانون تراکنش‌های بانکی، بهبود فضای کسب‌وکار و... باید به طور هم‌زمان شکل بگیرند تا این سیاست به خوبی اجرا شود.

پای حرف‌های بازنشستهای که یک شرکت ورشکسته را احیا کرد

ضرورت مشارکت جمعی و تجمع سرمایه‌های کوچک برای رونق تولید

وجود ندارد. به همین دلیل معادن نیز مستقیماً تولید خود را صادر می‌کنند.» او می‌گوید: «در روش‌های فرآوری نیز غالباً اقدام خاصی روی سنگ انجام نمی‌شود و عمده کار شرکت‌های سنگ‌بری، به برش سنگ‌های معدنی به قطاع کوچک‌تر خلاصه می‌شود؛ ولی همین اندازه فرآوری نیز حداقل ارزش افزوده محصول را تا دو برابر بالاتر می‌برد و اگر مراحل نهایی‌سازی نیز مثل سیقل کاری و طرح‌زنی و... روی سنگ انجام شود، و تمامی مراحل تولید سنگ‌های مختلف برای مصارف گوناگون در داخل کشور صورت بگیرد، ارزش محصول نهایی به هیچ وجه قابل مقایسه با قیمت خام‌فروشی آن نخواهد بود.»

چرا محصول چین ارزان‌تر است

علی‌احمدی به افزایش هزینه‌های تولید در داخل کشور نیز اشاره کرده و آن را با شرکت‌های چینی مقایسه نمود. وی می‌گوید: «شرکت‌های چینی خریدار سنگ معادن ایران، پس از فرآوری آن در چین، مجدداً بخشی از محصول تولیدی را به ایران صادر می‌کنند؛ در حالی که قیمت محصول تولیدی آنها از محصولات مشابه تولیدی داخل کشور کمتر است.»

بهره بالای تسهیلات بانکی، نبود سرمایه در گردش کافی، به روز نبودن ماشین‌آلات شرکت‌های تولیدی کشور، هزینه بالای نیروی کار، مشکلات و پیچیدگی‌ها و موانع اداری از جمله علل غیر رقابتی شدن و بالا بودن قیمت محصولات تولیدی کشور در مقایسه با محصولات خارجی در این حوزه است که از زبان این فعال اقتصادی مطرح شده است. به اعتقاد او ایجاد شرکت‌های تعاونی با مشارکت جمعی و تجمع سرمایه‌های کوچک در شرکت‌ها و تولیدی‌های خرد می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در اشتغال و رونق تولید در کشور داشته باشد. به گفته علی‌احمدی از جمله موانع این ایده، ضعف در فرهنگ کار گروهی در کشور است.

ارزش پول ملی و رونق تولید

■ **روح‌الله صنعتکار/** در عوامل تولید ما، نیروی کار و سرمایه جزء عوامل اولیه آن هستند و مواد اولیه و کالاهای واسطه‌ای، عوامل غیر اولیه در فرایندهای تولید محسوب می‌شوند، اینها هر کدام یک جریان بهره‌وری را در کشور در سال‌های مختلف تجربه کرده‌اند. مطالعات و بررسی‌ها نشان می‌دهد ما برای بهبود بهره‌وری عوامل تولید، ظرفیت بسیار مناسبی داریم و این یعنی هنوز تا رسیدن به نقطه مطلوب بهره‌وری عوامل تولید، فاصله بسیار است. اگر وضعیت بهره‌وری عوامل تولید را بهبود ببخشیم، کاهش هزینه‌های تولید یکی از دستاوردهای آن است و کاهش هزینه‌های تولید به مهار تورم منجر می‌شود.

ارزش داخلی پول ملی، متأثر از عوامل متعددی است که مهم‌ترین آن، جریان تورمی است که در داخل شکل می‌گیرد و به واسطه آن رابطه، مبادله آن پول با کالاها و خدماتی که در داخل تولید و عرضه می‌شود، تعریف می‌شود. متأسفانه، در سال قبل ارزش پول ملی به شدت دچار تزلزل و تنزل شد و این کاهش ارزش ریال، موجب نگرانی مردم، به ویژه اقشار متوسط و ضعیف جامعه شد. از سوی دیگر با کاهش ارزش پول ملی، بسیاری از مردم برای حفظ قدرت خرید خود تلاش کردند دارایی‌های نقدی خود را از ریال به ارز و طلا تبدیل کنند.

ما در مقاطع مختلف، متأسفانه دچار کاهش ارزش پول ملی به واسطه گران شدن ارزهای خارجی بوده‌ایم، اما سوال این است که بالاخره باید چه کرد؟ ما رابطه خاصی با ارزهای خارجی داریم، این رابطه پول ملی با ارزهای خارجی دچار نوسان می‌شود و در برخی مواقع نوسانات آن بسیار شدید است، اگر بخواهیم ارزش پول ملی را در ارتباط با فضای خارجی حفظ کنیم، باید آن رابطه بین ارزش پول ملی و ارزهای بیرونی را مدیریت کنیم.

رئیس جدید بانک مرکزی با اشاره به اهداف دشمنان در ایجاد مشکل برای نظام اذعان دارد، دشمن همه امکانات خود را بسیج کرده است، ولی ما در سطح مدیریت بانک مرکزی هم برنامه‌ریزی می‌کنیم و در کار خود جدیت داریم و بانک مرکزی و دولت در ماه‌های گذشته نشان داده‌اند، بر مشکلات فائق می‌آیند و همان‌طور که به مردم قول داده بودیم در بازار ارز، ثبات ایجاد کرده‌ایم و در آینده سعی جدی در افزایش ارزش پول ملی با تقویت و حمایت از تولید داریم.

باید گفت، یکی از عوامل مهم اثرگذار در آثار تورمی که سبب کاهش ارزش پول ملی می‌شود، موضوع حجم نقدینگی در اقتصاد کشور است و اگر سیاست‌های بانک مرکزی در راستای کنترل حجم نقدینگی نباشد، این موضوع عامل مخربی در رشد فزاینده نرخ تورم در اقتصاد شده و آثار ناشی از آن موجب کاهش ارزش پول ملی می‌شود. بنابراین یکی از عوامل مهم در این بخش مدیریت نقدینگی در جامعه است که این موضوع به عملکرد بانک مرکزی بازمی‌گردد که در این بخش به چه صورت عمل کرده است.

یکی از مؤلفه‌های مهم دیگر که در افزایش یا کاهش ارزش پول تأثیر می‌گذارد، تورم است. منشأ این تورم استقراض دولت از بانک مرکزی، اضافه برداشت بانک‌ها از بانک مرکزی و بالا بودن نرخ سود سپرده بانکی است که سبب افزایش نقدینگی در جامعه شده است. این نقدینگی همراه تورم را به دنبال داشته و تورم سبب کاهش ارزش پول ملی می‌شود. بنابراین اگر این سه اصل مدیریت شود، پول ملی نیز تقویت می‌شود و تقویت پول ملی با سازوکار مدیریت تورم در اقتصاد کشور امری امکان‌پذیر برای بانک مرکزی است. با توجه به فضایی که در وضعیت تحریمی در کشور وجود دارد، مدیریت بازار ارز بسیار مهم است و اگر بانک مرکزی در مدیریت بازار ارز رفتار حرفه‌ای نداشته باشد، سبب کاهش ارزش پول ملی می‌شود. در پایان با توجه به مسائل فوق باید به این مسئله توجه شود که یکی از راه‌های کلیدی افزایش ارزش پول ملی، توجه به تولید ملی و رونق آن است.

اقتصاد جهان

کشورهای در حال توسعه و دلارزدایی با پیمان پولی

■ **حسین تبریزی/** از زمان وقوع بحران مالی جهانی، برخی ترتیبات پولی با عنوان پیمان‌های پولی، میان بانک‌های مرکزی کشورها منعقد شده است. بدین ترتیب بسیاری از سازوکارهای کوتاه‌مدت برای مقابله با بحران مالی و اصلاح نظام مالی به ترتیبات دائمی تبدیل شده‌اند که به دنبال تمرکززدایی از دلار آمریکا و افزایش اهمیت و نقش سایر ارزها هستند.

گفتنی است پیمان‌های پولی میان کشورهای توسعه‌یافته و کشورهای در حال توسعه منعقد شده است. هدف پیمان‌های پولی منعقدشده میان کشورهای غربی و توسعه‌یافته، اصلاح ساختار نظام مالی بین‌المللی نبوده است و بالعکس این پیمان‌ها به دنبال محافظت از سیستم مالی بین‌المللی تحت سلطه آمریکا و سلطه دلار هستند.

برای نمونه توافق جامع پیمان پولی میان شش اقتصاد پیشرفته و توسعه‌یافته که از زمان بحران مالی جهانی آغاز شد، ثابت کرده که به دنبال ایجاد مقاومت در برابر اصلاح نظام مالی بین‌المللی است.

در همین حال کشورهای در حال توسعه نیز طرح‌های خود را برای اصلاح نظام مالی بین‌المللی در قالب پیمان‌های پولی مختص خود اجرا کرده‌اند. نمونه پیمان‌های پولی میان بانک‌های مرکزی کشورهای در حال توسعه را می‌توان در بیش از ۳۵ پیمان پولی منعقدشده میان چین و کشورهای طرف تجاری خود یافت. برخلاف کشورهای توسعه‌یافته غربی که هدفشان از پیمان پولی حفظ سلطه دلار و ساختار کنونی نظام مالی است، هدف چین از انعقاد پیمان‌های پولی دلارزدایی از نظام مالی و بین‌المللی کردن یوان خود است. با وجود به تأخیر انداخته شدن سرعت اصلاحات در نظام مالی بین‌المللی، پیمان‌های پولی میان بانک‌های مرکزی در حال افزایش است و در دهه گذشته بسیاری از این پیمان‌ها میان بانک‌های مرکزی اجرایی شده است.

برخی مدل‌های ترتیبات پولی که حتی میان کشورهای در حال توسعه نیز منعقد شده، مبتنی بر ارز دلار است. در تعدادی از مدل‌ها نیز دلار با سایر ارزها مبنای ترتیبات پولی قرار گرفته‌اند؛ اما تجربه نشان داده است که این نوع از ترتیبات پولی، که دلار یکی از ارزهای محوری آن است، نمی‌تواند کمکی به اصلاح نظام مالی بین‌المللی کند؛ چرا که در ترتیبات پولی دلارمحور، از آنجا که دلار ارز اصلی محسوب می‌شود، مطابق با نیازهای اقتصادی و منافع ملی آمریکا نوسان می‌کند و در نتیجه بحران‌ها و شوک‌های مداوم را به دنبال دارد. از سوی دیگر، سیاست‌های پولی آمریکا بر دلار مؤثر است و این امر بی‌ثباتی در بازارهای مالی و تحرک نقدینگی را به همراه دارد.

برای نمونه یکی از مدل‌های مورد استفاده کشورهای جنوب شرق آسیا در طرح چینگا مای برای انعقاد پیمان پولی میان خود، پیمان مبتنی بر دلار بوده است. البته بعدها بسیاری از اعضای طرح چینگا مای، از قبیل مالزی، تایلند و اندونزی، دلارزدایی از پیمان‌های پولی خود را دنبال کرده‌اند و پیمان و سازوکارهای مبادلاتی را مبتنی بر ارزهای ملی خود قرار داده‌اند.

این مسیر تحول پیمان‌های پولی نشان می‌دهد هدف اصلی کشورهای در حال توسعه، اصلاح نظام مالی و بین‌المللی و کاهش وابستگی به دلار است. این پیمان‌های پولی که در ابتدا با هدف تأمین نقدینگی و محافظت از اقتصادها و بازارهای مالی در مقابل بحران‌ها توسعه یافته‌اند، در سال‌های اخیر ماهیتهای برای مهم دیگری از قبیل طراحی سازوکار معاملاتی مبتنی بر ارزهای ملی و بدون استفاده از دلار را نیز دنبال کرده‌اند.



زندگی

طوفان‌های آنلاین یا آنلاین‌های طوفانی؟!

❑ **محبوبه ابراهیمی /** «مشب ماه خانه خدا را طواف می‌کند و آسمان به رنگ دریا می‌شود. این ماجرا فقط هر ۱۱۰۰ سال یک بار اتفاق می‌افتد. در این شب دعا مستجاب است. این دعا را بخوان و این پیام را اقلا به ده نفر از دوستانت بفرست: «اللهم یا فارج الهم و یا...» پیامبر(ص) فرمود: هر کس این دعا را بخواند و پخش کند تمام حاجت‌هایش روا خواهد شد. قطع‌کننده زنجیره نباش! فقط امشب.»

شاید شما نیز بارها و بارها با این نوع پیام‌ها مواجه شده باشید؛ پیام‌هایی که بدون هیچ تاریخی در بازه‌های زمانی گوناگون منتشر می‌شود و با داعایی ساختگی واداعایی خرافی، با احساسات و اعتقادات مردم بازی می‌کند و چه بسا افرادی که نادانسته و بدون تحقیق، آن را بازنشر می‌دهند و منتظر اجابت دعای‌شان از این ره‌گذر هستند! نظیر این پیام‌ها در فضای مجازی کم نیست؛ به ویژه در سال‌های اخیر که این فضا به بستری مهم برای شایعه‌سازی تبدیل شده و می‌توان ادعا کرد شایعات از طریق این فضا، بیشتر و سریع‌تر از گذشته در سطح جامعه پراکنده می‌شود. دلیل این مسئله نیز بسیار ساده و روشن است؛ نبود نظارت صحیح در این فضا، امکان جعل هویت، ناشناخته‌هاستند که رواج شایعه را در فضای مجازی با آسانی و سرعت همراه می‌کنند؛ اما اصولاً دلیل طرح شایعه و انتشار آن در جامعه چیست؟ حقیقت این است که از گذشته‌های دور، در هر مقطع زمانی، افرادی بوده‌اند که با هدف تفریح و سرگرمی، شایعه می‌ساختند و به اصطلاح با یک کلاغ، چهل کلاغ کردن و از کاه، کوه ساختن لذت می‌بردند و شاد می‌شدند! این روزها هم کم نیستند افرادی که از ساخت خبرهای جعلی پوچ لذت می‌برند و ضعف نفس و کمبود توجه خود را با توجه دادن دیگران به دروغ‌سازی‌های‌شان، جبران می‌کنند. غافل از اینکه چه ترس و نگرانی‌ای در دل دیگران به جای می‌گذارند؛ تکرار خبر دروغین فوت برخی پیشکسوتان در شبکه‌های مجازی که گله و ناراضیاتی خود و اطرافیان‌شان را در پی داشته، از این دست شایعات هستند. تا آنجا که با فوت آن پیشکسوت، همه خبرگزاری‌ها به دنبال ارائه سند فوت هستند تا صحت خبرشان را اثبات کنند!

اما مسئله به اینجا ختم نمی‌شود و گاهی این شایعات ابعاد وسیع‌تر با پشتوانه‌های فکری و هدفمند را با خود دارند. به این معنا که کاملاً حساب شده و با حمایت مراکز خاص، حتی در خارج از مرزها، طرح‌ریزی می‌شوند و اهداف مهم و طولانی‌مدت را دنبال می‌کنند؛ گاهی همچون پیامی که در آغاز سخن بیان شد، اعتقادات و باورهای مردم را نشانه می‌گیرند؛ زمانی با هدف تخریب چهره‌ها و شخصیت‌های معروف سیاسی، هنری، ورزشی و فرهنگی و گاهی با هدف ایجاد ترس، بدبینی و تفرقه‌افکنی رواج می‌یابند. هر چه هست، قدرت فوق‌العاده این شایعه‌سازی را نمی‌توان نادیده گرفت؛ چنانچه شایعه وقوع زلزله می‌تواند مردم را از تخت نرم به کف خیابان بکشد تا شب را در سرمای گوشه خیابان صبح کنند، خبر غیر واقعی نایاب شدن برخی کالاها آنها را به فروشگاه‌ها می‌کشاند تا همچون قحطی‌زدگان، تمام قفسه‌ها را خالی کنند و در عین حال همین مردم، با شنیدن خبر شیوع یک بیماری در گوشت یا مرغ، راضی‌اند ماه‌ها سفره‌شان خالی از گوشت و مرغ باشد و این قدرت اعجاب‌انگیز تأثیر کذب و شایعه بر روان افراد جامعه است.

اما فارغ از راهکارهای قانونی و وظایف نهادهای مسئول، شاید بهتر باشد برای مبارزه با این آفت فراگیر از خودمان شروع کنیم؛ اینکه قبل از نشر هر نوع خبر یا پیام، آن را با منطق خود یا اقلا با منطق افراد آگاه بسنجیم و دوستان‌مان، می‌توانیم آنها را نیز در برابر این شایعه‌ها ایمن کنیم و قدرت تشخیص را در خود و اطرافیان بالا ببریم؛ چرا که هر قدر نسیم آگاهی و دانش، جان‌فزا و روح‌بخش است، طوفان مطالب نامعتبر و کذب، ویرانگر است و بحران‌ساز... .

راه ترفقه

ظرفیت‌سازی در فرزندان

پیش از جابه‌جایی‌های محیطی

پروشن:
فرزندان ما دوران کودکی‌شان را در شهرک سازمانی بعد سپری کردند و حال به دلیل سکونت در شهر شاهد تفاوت‌هایی در سبک زندگی مردم عادی هستند، در چنین شرایطی چه باید کرد؟

پاسخ: ابتدا مثالی می‌زنیم و پاسخ این پرسش را در ادامه می‌آوریم. برخی خانواده‌ها تنها یک فرزند دارند و تصور کنید فرزندانی که در خانواده تک‌فرزندی هستند در مقایسه با خانواده‌هایی با فرزند بیشتر که با هم هستند و نیازهای‌شان را در تعامل با یکدیگر مرتفع می‌کنند چه تفاوتی دارند. به طور حتم بچه‌ها در خانواده‌های پرفرزند، خلایق و اعتماد به نفس بیشتری نسبت به بچه‌ها در خانواده‌های کم‌فرزند دارند؛ چرا که در این خانواده‌ها فرزندان هیجانات و نیازهای خود را از طریق هزریستی، بازی کردن، دعوا کردن و... با خواهرها و برادرهای خود تخلیه و ارضا می‌کنند؛ بنابراین می‌توان گفت زندگی فرزندان شما در خانه‌های سازمانی که محیط‌های سالم‌تری، در مقایسه با زندگی در محیط‌های عادی دارند و مانند خانواده تک‌فرزندی است، فرزندى که در یک شهرک، سکونتى بسیار آرام و امن داشته و با شاکله انضباط خاصى زندگى مى‌کرده است، با ورود به فضای غیر پیش‌بینی شده دیگری بدون آماده‌سازی و زمینه‌سازی، با افرا و فرهنگ‌های متنوع مواجه می‌شود.

سفارش می‌کنیم والدین پیش از آنکه فرزند خود به تنهایی با این موقعیت روبرو شود به فرزندان‌شان فضای مناسبی ارائه دهند و ضمن ظرفیت‌سازی برای آنها آمادگی‌شان را برای ورود به این فضا بیشتر کنند.

همچنین فرزندان را در بیرون از منزل، از جمله پارک، مکان‌های جمعی و مراسم‌های محل جدید سکونت همراهی کنند، آنها را به جمع گروه همسالان ببرند و وارد محیط و جمع دوستان کنند و در واقع آنها را با گروه همسالان گره بزنند.

لیلا وطنخواه

دکترای مطالعات زنان و خانواده، مشاوره خانواده و ازدواج

طرح پرسش: ۳۳-۹۹۰۰۰۳۰۰۰



دوشنبه ۹ اردیبهشت ۱۳۹۸

سال نوزدهم

شماره ۹۹۴

سیدعباس صالحی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی می‌گوید: اگر کسانی می‌خواهند ملت باتمدنی چون ایران را منزوی کنند، این کتاب و ارتباط با کتاب است که این تومر را از بین می‌برد؛ بنابراین دیوار بی‌اعتمادی، تکثیر و تحریم با کتاب فرو می‌ریزد و نابود می‌شود.

تکثیر و تحریم

با کتاب فرو می‌ریزد

نگاهی بر فیلم سینمایی غلامرضا تختی

اسطور‌های که بر روی پرده نقر‌های سینما هم تنها ماند



ناشنا هستند، جهان پهلوان تختی،

اما اینن موضوع هم کمکی

برای جذب مخاطب نمی‌کند و در

زمانی که سانس‌های برخی فیلم‌های

بی‌محتوا پر است، تنها افراد محدودی

حاضر به تماشای فیلم اسطوره‌شان

هستند

فیلمی خوش‌ساخت که به خوبی

توانسته است زندگی این قهرمان را

روایت کند و انصافاً هم فیلم به نسبت

قوی است.

ماجرای فیلم بسا فلش بک به

دوران کودکی جهان پهلوان تختی

شروع می‌شود و با یک سیر خطی

قسمت‌های مهم زندگی این قهرمان

را به تصویر می‌کشد. بخش‌هایی از

زندگی وی از زبان خبرنگاری که

در بسیاری مواقع با او بوده است،

روایت شده و تکمیل‌تر می‌شود، اما

توکلی ترجیح می‌دهد با روایت راوی

از برخی برهه‌های زندگی تختی ولو

بسا گفتن چند جمله ی‌ا چند پلان

ساده عبور کند؛ مانند ازدواج و حتی

مرگ تختی.

فیلم هر لحظه جذاب‌تر از لحظه

قبل است، به گونه‌ای که گذر زمان

در سالن تاریک سینما حس نمی‌شود

و مخاطب خود را برای انتخاب فیلم

تحسین می‌کند؛ نقطه اوج فیلم هم

زمانی است که تختی با ضرب‌های از

سوی حریف در میدان کشتی از ناحیه

توکلی در فیلمش بیشتر به

وجهه اسطور‌های تختی پرداخته

و از بیان نقص‌ها، کمبودها و

ضعف‌های زندگی و شخصیتی

دوری کرده است، در ساخته او،

تختی یک قدیس به تمام معنا

است که در نهایت با تنهایی

و هزاران ابهام از دنیا می‌رود؛

ابهاماتی که در فیلم تختی

بی‌پاسخ ماند

چشم مجروح می‌شود؛ اما یکی از

نقاط ضعف فیلم توکلی این است که

این جذابیت‌ها در اواخر داستان که

با عزت‌نشینی و گوشه‌گیری تختی

همراه است، افت کرده و اتفاقاً سرعت

روایت داستان هم شتاب می‌گیرد.

در واقع بیننده خیلی سریع و با چند

جمله از راوی باید خود را قانع کند

که از مراحل پیروزی و موفقیت‌های

تختی به مرحله درندک زندگی و

سیدعباس صالحی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی می‌گوید: اگر کسانی می‌خواهند ملت باتمدنی چون ایران را منزوی کنند، این

کتاب و ارتباط با کتاب است که این تومر را از بین می‌برد؛ بنابراین دیوار بی‌اعتمادی، تکثیر و تحریم با کتاب فرو می‌ریزد و نابود

می‌شود.

تکثیر و تحریم

با کتاب فرو می‌ریزد

نگاهی بر فیلم سینمایی غلامرضا تختی

زندگی دارد، ابهاماتی از زندگی‌اش که

هنوز هم یا جواب درستی برای آنها

پیدا نشده است یا در فیلم توکلی بنا

به ملاحظاتی به آن پرداخته نشده

است. بدون شک تختی هم مانند هر

انسان دیگری آرزوهایی برای خود

و خانواده‌اش داشته، مانند درس

خواندن اما به این موارد در فیلم

کمتر پرداخته شده است، در صورتی

که بسیاری درس نخواندن را دلیل

اصلی فاصله او با همسرش می‌دانند.

در طول داستان با جهان پهلوانی

به نام تختی روبه‌رو هستیم، که از

همه چیزش به خاطر مردم می‌گذرد

و شاید برای مخاطب این سؤال را

ایجاد می‌کند که چرا این گذشت با

آینده‌نگری همراه نیست، به گونه‌ای

که تختی از لحاظ مالی به جایی

می‌رسد که حتی برای کمک به

دیگران مجبور به قرض کردن پول

می‌شود.

برخی قسمت‌های فیلم هم

بدون پاسخ باقی مانده است، مثل

اینکه اصلاً چه شد که تختی با

سیاست و افرادی مانند مصدق

آشنا شد.

امیدواریم فیلم تختی با همه

ایراداتی که بر آن وارد است، مورد

توجه جوانان قرار گیرد، زیرا خلاف

تصور عده‌ای که فکر می‌کنند تنها با

تزریق محتواهای کمدی و نشانندن

خنده بر لب مردم می‌توان جامعه‌ای

سالم‌تر ساخت، فیلم‌هایی از این

دست که الگوهای درست زندگی

را به رخ می‌کشند، می‌تواند روح را

جلا داده و در برابر مشکلات دژی

محکم‌تر بسازد.

با تمام این اوصاف و ضعف‌ها و

قوت‌های فیلم توکلی در کل می‌توان

گفت، فیلم تختی فیلمی زیباست که

باید تماشای آن را در سینما تجربه

کرد، هر چند بسیاری از پرسش‌ها

بی‌پاسخ می‌ماند و چه بسا حتی

پرسش‌های جدیدی هم در ذهن

و شکوه اوست، عزت کشورش را بر

بیننده شکل می‌گیرد که پیش از این

برایش مطرح نبوده است.

یادداشت

پندگانی که صاحب پول‌های‌شان نیستند!

❑ **ندا کرمانشاهی /** «کاش

من هم به جای کار کردن بروم و

در چنین مسابقه‌ای شرکت کنم»؛

این جمله یکی از دوستان من هنگام

مشاهده یک مسابقه تلویزیونی بود

که شرکت‌کننده‌اش توانست در

عرض چند دقیقه چند میلیون تومان

صاحب شود.

«برنده باش»، برنامه‌ای با اجرای

محمدرضا گلزار است که از شبکه سوم

سیما پخش می‌شود و اتفاقاً بیننده

هم کم ندارد. از همان زمانی که این

برنامه شروع شد، عده زیادی این انتقاد

را داشتند که چرا باید به خاطر جواب

دادن به یک سؤال، پنج میلیون تومان

به یک شرکت‌کننده داده شود، آن هم

در شرایطی که حقوق یک کارگر به

سه میلیون تومان هم نمی‌رسد و از

صبح تا شب برای لقمه نانی حلال

زحمت می‌کشد، ۳۰ روز تلاش مداوم

و خستگی مفرط برای ۳ میلیون

تومان، بعد با پنج س‌وال یک دفعه

فردی صاحب پولی به ارزش ۹ ماه

کاری یک کارگر در برنامه تلویزیونی

می‌شود؛ آن هم در تلویزیون جمهوری

اسلامی ایران!

رهبر معظم انقلاب ۱۱ آذر

ماه ۱۳۸۳ هنگام دیدار با مسئولان

سازمان صداوسیما، به موضوع

مسابقات تلویزیونی و جوایز آن اشاره

کردند و فرمودند:

«شخصی تماس می‌گیرد و به

خاطر هرچی، به او جایزه می‌دهند!

یک روز من دیدم در یک برنامه

تلویزیونی پنج میلیون تومان به یک

نفر جایزه دادند، برای اینکه به چند

سؤال جواب داد! این سرگرمی خیلی

جالبی نیست. پنج میلیون تومان،

تقریباً حقوق دو سه سال یک کارمند

متوسط است {سال ۸۳}، ممکن

است بگویند این‌کار ترویج علم است.

ترویج‌علم را از یک راه بهتر بکنید؛

این راه ضرر دارد. عده‌ای که این‌گونه

مسابقات را نگاه می‌کنند، بی‌منطقی

به ذهن‌شان می‌آید و از این بی‌منطقی

سوءاستفاده می‌کنند. این کار منطقی

ندارد که مثلاً بنده بدانم انجیل عربی

است یا یونانی است یا لاتینی است؛

بعد بگویند حالا که شما دانستید، این

پانصد هزار تومان یا فلان مبلغ مال

شما! این کار معنی ندارد. بنابراین،

مقوله سرگرمی و تفریح، لزومش یک

مسئله است؛ با برنامه‌ریزی بودن آن

یک مسئله است؛ با محتوا و بنگاه و مرکز

مسئله است؛ پرهیز از جهت‌مندی هم

در آن یک مسئله است.»

هفته پیش استفتا و پاسخی از

سوی حضرت آیت‌الله مکارم‌شیرازی

درباره برنامه «برنده باش» در فضای

مجازی منتشر شد که دفتر این

مرجع تقلید صحت آن را تأیید کرد،

سؤال این بود:

مسابقه‌ای حضوری با عنوان

«مسابقه بزرگ برنده‌باش» از طریق

شبکه سه سیمای جمهوری اسلامی

ایران در حال اجرا و پخش است که

به شرکت‌کنندگان در این مسابقه به

ازای پاسخ صحیح به هر سؤال، مبلغ

۱۰۰ میلیون تومان) اعطا می‌کند که

با کمک مجری برنامه و فرصت‌هایی

که در اختیار هر شرکت‌کننده قرار

می‌گیرد، مبلغ جایزه غالباً از ۵ میلیون

تومان کمتر نیست. شرط حضور در

این برنامه خرید سؤال و پاسخ درست

به آنها از طریق اپلیکیشن مخصوص

است و در صورت درست بودن

جواب‌ها، در یک رقابت فشرده، ۴ نفر

به مسابقه حضوری دعوت خواهند شد.

آیا برگزاری این نوع مسابقات

جایز است؟

آیا شرکت در این نوع مسابقات

جایز است؟

آیا شرکت‌کننده، مالک شرعی

جایزه خواهد شد؟

پاسخ آیت‌الله مکارم‌شیرازی نیز

بدین شرح بود: بسمه‌تعالی

«این کار قمار است و کسانی

که شرکت می‌کنند مالک آن جوایز

نمی‌شوند.»

حالا و در شرایطی که مردم

با مشکلات اقتصادی دست و پنجه

نرم می‌کنند، آیا بهتر نیست به جای

ساخت برنامه‌هایی که قشر ضعیف و

متوسط را نسبت به آینده ناامیدتر

می‌کند، در اتاق‌های قمارمن به ساخت

برنامه‌هایی در جهت تشویق به تولید

و رونق آن بیندیشیم؟

برنامه‌هایی که انگیزه و اراده

و ابتکار و خلاقیت را رشد داده و

به آینده بهتر جوانان و نوجوانان



بصیرت؛ شرط قیام مقدس

پیام مشترک نماینده ولی فقیه و فرمانده کل سپاه به مناسبت هفته

عقیدتی سیاسی در سال ۱۳۹۸
اگر می‌خواهید اثر بگذارید؛ راهش این است که دل‌ها را به هم نزدیک کنید؛ درون را پاک کنید؛ عمل را خالص کنید؛ برای خدا کار کنید؛ آن وقت خدای متعال برکت خواهد داد. این می‌شود عقیدتی سیاسی مطلوب. **حضرت امام‌خامنه‌ای(مدظله‌العالی)** در آستانه دوازدهم اردیبهشت سالروز شهادت استاد شهید مرتضی مطهری(ره) و هفته عقیدتی سیاسی در سپاه و بسیج، شایسته است با گرامیداشت این ایام از تلاش و مجاهدت خالصانه استادان، مربیان و مدیران عرصه تعلیم و تربیت قدردانی و سیاست‌گذاری نموده و توجه همگان را به نکات زیر جلب نماییم:

انقلاب اسلامی در حالی چهلمین سالگرد پیروزی خود را پشت سر گذاشت و قدم به دهه پنجم حیات خود نهاد که برای ادامه این راه روشن، گام دوم انقلاب را، برای دومین مرحله خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی، پی خواهد نمود و فصل جدیدی را برای تحقق آرمان‌ها و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی(ارواحنا فداه) رقم خواهد زد. ان‌شاءالله سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به عنوان مولود حقیقی انقلاب اسلامی با اتکال به قدرت لازبال الهی و اهتمام پاسداران بر تعمیق بنیه معنوی و زیربنای عمیق و اصیل ایمانی و دینی، با اقتدار و جهاد همه‌جانبه پیش‌قراول مبارزه با استکبار و جبهه باطل خواهد بود و در مسیر تحقق نظام پیشرفته اسلامی گام برخواهد داشت. تردیدی نیست که برای رسیدن به این اهداف بلند، می‌بایست ارتقای معنویت، بصیرت دینی، روحیه جهادی، انقلابی و ولایت‌مداری پاسداران همواره در صدر برنامه‌های سپاه مورد توجه قرار گیرد. در این راستا رویکرد تربیتی و اثربخش نمودن دوره‌ها و برنامه‌های عقیدتی سیاسی با ملاحظه نیازهای سطوح مخاطبان، فراگیران و خانواده آنان با اهتمام ویژه حمایتی و پشتیبانی تمامی فرماندهان و مسئولان برای تحقق این امر خطیر مورد تأکید می‌باشد.

در پایان ضمن تأکید بر اغتنام فرصت‌های روحانی و معنوی ماه‌های شعبان و رمضان، توفیق همگان را در ظل توجهات حضرت بقیه الله(ارواحنا فداه) و هدایت‌های داهیانیه امام خامنه‌ای(مدظله‌العالی) خواهیم.

آیت‌الله شهید مرتضی مطهری در کتاب حماسه حسینی می‌گوید: علی(ع) تصریح می‌کند که جنگ‌های صدر اسلام، ماهیت ایدئولوژیکی داشت: «و حملوا بضائرهم علی اسایفهم»؛ آنها بصیرت‌ها و درک‌ها و آگاهی‌های خود را روی شمشیرهای خودشان حمل می‌کردند، یعنی می‌خواستند با این شمشیرها به مردم آگاهی دهند. شرط اینکه قیامی مقدس باشد، این است که آن قیام با یک بینش و درک و بصیرت قوی توأم باشد. (حماسه حسینی، ج ۱، ص ۷۲)

حسین ابراهیمی/ در

آستانه هفته عقیدتی- سیاسی در سپاه در گفت‌وگویی با مجید غلامرضا، معاون تربیت و آموزش عقیدتی- سیاسی سپاه رویکرد جدید به امر مهم تربیت و آموزش و اقدامات در دست اجرا را بررسی کردیم که از نظر شما خوانندگان عزیز می‌گذرد.

* به عنوان اولین سؤال، فلسفه نامگذاری این ایام به نام هفته عقیدتی-سیاسی را تشریح کنید.

در ماه معنوی شعبان‌المعظم و در آستانه رمضان المبارک و هفته عقیدتی- سیاسی و سالروز شهادت استاد آیت‌الله مرتضی مطهری(ره) که به حق سهم مهمی در پایه‌گذاری نظام فکری انقلاب اسلامی داشته‌اند، این ایام را به تلاشگران عرصه تعلیم و تربیت تبریک و تهنیت عرض کرده و به این وسیله مراتب سپاسگزاری رده‌های صفی و ستادی ابراز می‌داریم. درباره فلسفه نامگذاری این هفته به این عنوان باید گفت، شکل‌گیری سپاه به منزله یک نهاد انقلابی، بر پایه مرزهای فکری-اعتقادی مکتب اسلام با هدف حفظ نظام و دستاوردهای آن بنا شد و به فرموده امام راحل عظیم‌الشان، سپاه بزرگ‌ترین سنگرهای دفاع از ارزش‌های الهی نظام ما بوده و این رسالت وجه متمایز و برجسته آن است. در تعبیر متعدد امام‌خامنه‌ای(مدظله‌العالی) به موضوع جایگاه اعتقاد و ایمان و بصیرت دینی توجه شده است که روح و حقیقت مسئله پاسداری و سپاه پاسداران، فکر و عقیده و ایمان- یعنی عامل معنوی قدرت- در همه اجزای آن است و در واقع هدف ایجاد سپاه پاسداران، فقط این بود که نظام می‌خواهد از نو یک تشکیلات و نیروی مسلح جدید درست کند. معظم‌له می‌فرماید: «عامل معنوی قدرت در درون این سازمان به طور وافر وجود داشته است و امروز هم وجود دارد. آن عامل معنوی قدرت چیست؟ اعتقاد، ایمان، اخلاص، مجاهدت برای ادای تکلیف، مجاهدت

برای خدا، مجاهدت منهای درآمد مادی آن مجاهدت و تلاش. اینها مهم است؛ اینهاست که یک مجموعه و یک نظام را حفظ می‌کند.»

این نگاه نشان‌دهنده آن است که سپاه یک نهاد عقیدتی- سیاسی است و عامل حفظ و تقویت آن و نقطه مرکزی آن، تلاش‌ها و برنامه‌ریزی‌هایی است که نمایندگی ولی‌فقیه همواره در چارچوب رسالت و مأموریت خود دنبال کرده است و برای ارتقای جهات اعتقادی و فکری با روشن‌بینی و عمق فکری و روحیه انقلابی و ایمان پاسداران با همکاری فرماندهی از هیچ تلاشی فروگذار نکرده و با انتصاب نماینده ولی‌فقیه در این دوره درصد بازسازی و تحول در برنامه‌های عقیدتی-سیاسی در مجموعه سپاه است. نامگذاری روز خاص به نام عقیدتی-سیاسی که با تدبیر شهید محلاتی در ایام مصادف با شهادت شهید مطهری انجام شد، معطوف کردن افکار و آذهان همگان به عامل اصلی قدرت و تأکید بر ادامه مسیر راهبردی تربیت و آموزش عقیدتی- سیاسی و تقدیر از مربیانی است که نقش اساسی را در این زمینه ایفا کرده‌اند و سهم آنان در این تلاش مقدس بی‌بدیل بوده است.

* در اسناد شما دیدم که رویکرد کنونی معاونت در برگزاری دوره‌های گوناگون و برنامه‌ها کیفیت‌بخشی و ارتقای اثربخشی مطرح شده است؛ در این باره توضیح دهید.

اساسا هر نوع فعالیتی به ویژه امر خطیر تربیت بدون توجه به کیفیت و تأثیر آن عقلانی نیست و همه هدف‌گذاری‌ها معطوف به اثربخشی و نتایج و پیامدهای آن است. در امور عقیدتی- سیاسی عوامل متعددی، مانند مربی، محتوای مدیریت، متربی، فضا و محیط و دیگر عوامل باید دست به دست هم بدهند تا جهت‌گیری‌هایی که در سؤال اول مطرح شد، به نحو مطلوب محقق شود و اگر در یکی از عوامل اصلی اخلال ایجاد شود، نخواهیم توانست به نقش و انتظار خود در سپاه به درستی نائل شویم.

نظام‌مند کردن برنامه‌های عقیدتی را آغاز کرده‌ایم

سرهنگ پاسدارعلی حمیدی/ اداره برنامه‌ریزی و محتوای آموزشی معاونت سیاسی،

مسئولیت برنامه‌ریزی، ارزشیابی و تهیه متون آموزشی معاونت تربیت و آموزش عقیدتی- سیاسی سپاه را عهده‌دار است. همچنین در راستای کیفی‌سازی و اثربخشی آموزش‌های عقیدتی- سیاسی متناسب با دوره‌های طولی، تربیت و تعالی، یگانی و نور مبین اقدامات مؤثری کرده است که مهم‌ترین آنها طراحی موضوعات و سرفصل‌های آموزشی و تربیتی دوره تربیت و تعالی پاسداران و خانواده آنان و دوره‌های سربازان است. در این رابطه در تعامل با آموزش فرماندهی، درصد بازطراحی دوره‌های طولی هستیم که تاکنون دوره دافوس، کارشناسی و عالی رسته تدوین و اعتباربخشی شده و برای اجرا به رده‌ها ابلاغ گشته است.

در رابطه با برنامه‌های قرآنی نور مبین، طرح جدید ذکر مبارک با شیوه جدید برای طول سال و در ماه مبارک رمضان پیش‌بینی و برنامه‌های قرآنی از غنای بیشتر برخوردار شده و بناست تا چند سال آینده مبنای عمل باشد.

متناسب با نیازهای یگانی در تعامل با معاونت سیاسی و فرهنگی، زمینه بهره‌گیری از فرصت سین یگانی فراهم شده و محتوا و محورهای فصلی آن ابلاغ شده است. در رابطه با طرح‌های جدید،

سال ۹۸ سال توجه و تقویت استادان و مربیان است

سرهنگ پاسدار حسین ترابی/ یکی از اساسی‌ترین عوامل کیفی‌بخشی و اثربخشی

در آموزش و تربیت، عامل و عنصر استاد و مربی است؛ از این رو معاونت تربیت و آموزش عقیدتی- سیاسی سپاه با درک اهمیت این موضوع، سال ۱۳۹۸ را سال توجه و تقویت شبکه استادان و مربیان در برنامه‌های راهبردی خود قرار داده است. در همین راستا مسئول محترم معاونت، تعامل با حوزه‌های علمیه قم و مشهد مقدس را برای شناسایی و استفاده از ظرفیت‌های روحانیون عالم، عامل و ولایت‌مدار، در اولویت کاری این اداره قرار داده است. بر این اساس در اواخر سال گذشته و ابتدای سال جاری، جلسات کارشناسی مشترکی با بسیج استادان حوزه‌های علمیه قم و مشهد پیش‌بینی و



اجرا شد که یکی از نتایج آن، فراهم شدن زمینه برای ساماندهی و به کارگیری بیش از صدها استاد برجسته است که توانایی‌های بالایی دارند؛ اما تاکنون به دلایلی زمینه استفاده حداکثری از ظرفیت آنها فراهم نشده است.

یکی دیگر از برنامه‌های محوری این اداره در همین راستا، شناسایی، جذب و آموزش روحانیون سطوح مختلف حوزوی برای به کارگیری آنها به عنوان مربیان سازمانی است با این هدف که بتوان علاوه بر تقویت شبکه مربیان، اثربخشی دوره‌های آموزشی و فعالیت‌های تربیتی را نیز افزایش داد؛ چرا که تقدیم تاهادی خود هدایت‌شده نباشد، در راهنمایی مخاطبان تأثیر چندانی نخواهد داشت؛ بنابراین

آیت‌الله شهید مرتضی مطهری در کتاب حماسه حسینی می‌گوید: علی(ع) تصریح می‌کند که جنگ‌های صدر اسلام، ماهیت ایدئولوژیکی داشت: «و حملوا بضائرهم علی اسایفهم»؛ آنها بصیرت‌ها و درک‌ها و آگاهی‌های خود را روی شمشیرها به مردم آگاهی دهند. شرط اینکه قیامی مقدس باشد، این است که آن قیام با یک بینش و درک و بصیرت قوی توأم باشد. (حماسه حسینی، ج ۱، ص ۷۲)

معاون تربیت و آموزش عقیدتی- سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه در گفت‌وگو با صبح صادق

همه هدف گذاری‌ها معطوف به اثربخشی است



هستیم در کنار پیشرفت کمی و رشد موفقیت‌آمیز در سال ۹۷، وضعیت کیفی فعالیت‌ها را بیش از آنچه وجود دارد، ارتقا دهیم.»

در برنامه‌های سال جدید، همه مخاطبان موجود سپاه به صورت فراگیر در برنامه‌ها و دوره‌های عقیدتی- سیاسی تحت پوشش قرار گرفته‌اند و در بین مخاطبان، فرماندهان و مدیران برای ما از ویژگی خاصی برخوردارند که زمینه‌های آن با معاونت‌های فرماندهی گذاشته شده است

است و تا ارائه نتایج، با هم‌اندیشی و دریافت نظرات مدیران با تجربه عقیدتی- سیاسی در سطح سپاه ظرفیت‌های تقویت‌کننده اثربخشی را مورد بحث و تبادل نظر قرار داده و تا حد امکان در برنامه‌ها، شیوه‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های تخصصی پیش‌بینی شده است. این موضوع مطالبه جدی نماینده ولی‌فقیه در سپاه و اهداف و روش‌های آن مورد توجه عقیدتی- سیاسی است.

نکته دوم و با اهمیت چگونگی

تسهیل شود. البته برای بررسی دقیق موضوع اثربخشی، تدوین طرح راهبردی از سوی پژوهشگران در دست اقدام و توانمند کردن آنان، میدان وسیعی برای ظهور و بروز توانایی‌های آنان و بهره‌گیری علما و روحانیون فرهیخته فراهم شود. ما برای رسیدن به اهداف‌مان، لازم است از ناب‌ترین مربیان متعهد و انقلابی بهره‌مند شویم و این حق سپاه و پاسداران آن است و هرگونه مسامحه و استفاده از افراد کم‌ثمر برای ما در عقیدتی- سیاسی جایز نیست.

موضوع با اهمیت دیگر رسیدگی به وضعیت مراکز آموزشی است که اغلب آنها استانداردهای لازم را ندارند و ضروری است از نظر امکانات، ساختار و سازمان، نیروی انسانی متخصص و نوع برنامه درسی، تجدید نظر جدی شود. در همین راستا، در هماهنگی و تعامل با معاونت تربیت و آموزش سپاه اقدامات در دست بررسی و ابلاغ است و بخش عمده امور باید از سوی نمایندگی در مراکز اقدام و

است و تا ارائه نتایج، با هم‌اندیشی و دریافت نظرات مدیران با تجربه عقیدتی- سیاسی در سطح سپاه ظرفیت‌های تقویت‌کننده اثربخشی را مورد بحث و تبادل نظر قرار داده و تا حد امکان در برنامه‌ها، شیوه‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های تخصصی پیش‌بینی شده است. این موضوع مطالبه جدی نماینده ولی‌فقیه در سپاه و اهداف و روش‌های آن مورد توجه عقیدتی- سیاسی است.

نکته دوم و با اهمیت چگونگی

تسهیل شود. البته برای بررسی دقیق موضوع اثربخشی، تدوین طرح راهبردی از سوی پژوهشگران در دست اقدام و توانمند کردن آنان، میدان وسیعی برای ظهور و بروز توانایی‌های آنان و بهره‌گیری علما و روحانیون فرهیخته فراهم شود. ما برای رسیدن به اهداف‌مان، لازم است از ناب‌ترین مربیان متعهد و انقلابی بهره‌مند شویم و این حق سپاه و پاسداران آن است و هرگونه مسامحه و استفاده از افراد کم‌ثمر برای ما در عقیدتی- سیاسی جایز نیست.

موضوع با اهمیت دیگر رسیدگی به وضعیت مراکز آموزشی است که اغلب آنها استانداردهای لازم را ندارند و ضروری است از نظر امکانات، ساختار و سازمان، نیروی انسانی متخصص و نوع برنامه درسی، تجدید نظر جدی شود. در همین راستا، در هماهنگی و تعامل با معاونت تربیت و آموزش سپاه اقدامات در دست بررسی و ابلاغ است و بخش عمده امور باید از سوی نمایندگی در مراکز اقدام و

است و تا ارائه نتایج، با هم‌اندیشی و دریافت نظرات مدیران با تجربه عقیدتی- سیاسی در سطح سپاه ظرفیت‌های تقویت‌کننده اثربخشی را مورد بحث و تبادل نظر قرار داده و تا حد امکان در برنامه‌ها، شیوه‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های تخصصی پیش‌بینی شده است. این موضوع مطالبه جدی نماینده ولی‌فقیه در سپاه و اهداف و روش‌های آن مورد توجه عقیدتی- سیاسی است.

نکته اول اینکه امر تربیت فلسفه روشنی دارد که در جای خود در مجامع علمی به تفصیل مورد بحث و واکاوی قرار گرفته و مبانی، اصول و اهداف و روش‌های آن مورد توجه عقیدتی- سیاسی است.

نکته دوم و با اهمیت چگونگی تسهیل شود. البته برای بررسی دقیق موضوع اثربخشی، تدوین طرح راهبردی از سوی پژوهشگران در دست اقدام و توانمند کردن آنان، میدان وسیعی برای ظهور و بروز توانایی‌های آنان و بهره‌گیری علما و روحانیون فرهیخته فراهم شود. ما برای رسیدن به اهداف‌مان، لازم است از ناب‌ترین مربیان متعهد و انقلابی بهره‌مند شویم و این حق سپاه و پاسداران آن است و هرگونه مسامحه و استفاده از افراد کم‌ثمر برای ما در عقیدتی- سیاسی جایز نیست.

موضوع با اهمیت دیگر رسیدگی به وضعیت مراکز آموزشی است که اغلب آنها استانداردهای لازم را ندارند و ضروری است از نظر امکانات، ساختار و سازمان، نیروی انسانی متخصص و نوع برنامه درسی، تجدید نظر جدی شود. در همین راستا، در هماهنگی و تعامل با معاونت تربیت و آموزش سپاه اقدامات در دست بررسی و ابلاغ است و بخش عمده امور باید از سوی نمایندگی در مراکز اقدام و



تربیت در سپاه است که با چه راهبردها و راهکارهای متناسب با اقتضائات سپاه می‌توان زمینه تربیت معنوی پاسداران را فراهم کرد که همه ظرفیت‌های مختلف را پای کار بیاورد تا نتایج مطلوب را انتظار داشته باشیم. مطلب سوم اینکه در چگونگی تربیت، راهبرد اصلی و کلان در سپاه ارتقا و تعمیق معنویت است و برخی راهبردهای بخشی و موضوعی آن راهبرد تقویت بصیرت دینی، راهبرد ارتقای روحیه جهادی و انقلابی، راهبرد نهادینه‌سازی ولایت‌مداری است که هر یک به طور وسیع راهکارهایی در ساخت‌های بینشی، گرایشی و رفتاری دارد که برخی از راهکارهای موجود تاکنون از کارآمدی لازم برخوردار بوده و به تناسب نیاز جدید و حجم آسیب‌پذیری‌ها باید راهکارهای نوین در جهت اهداف پیشگیری‌کنندگی، تقویتی و اعتلاء بخشی طراحی شود. برخی طرح‌های در دست اقدام، مانند طرح معارف سطح یک یا سیره و روش تربیت معتمدی(ص) جبران این جهات مغفول را دنبال می‌کنند. امیدواریم تا پایان سال با توجه به اهمیت موضوع در نظام تعلیم و تربیت سپاه امور طراحی به سرانجام برسد و امکان اجرای آن بیش از وضع فعلی گسترش یابد.

*** تعامل شما با معاونت‌های مختلف سپاه در فرماندهی و نمایندگی چگونه است؟ در نگاه کلی ایس همکاری‌ها را چگونه ارزیابی می‌کنید؟**

خدا را شکر مسئولان و فرماندهان در زمینه تأثیر برنامه‌های عقیدتی- سیاسی در حفظ توان و آمادگی‌های معنوی پاسداران آگاهی لازم را دارند و همواره از حمایت‌های بی‌دریغ آنان برخوردار بوده‌ام و علاقمند هستیم از نظرات و دیدگاه‌های ارزشمند آنان برای بهبود و ارتقای کار استفاده کنیم. در مقطع کنونی ضروری است همه مجموعه‌ها به صورت هم‌افزا و به صورت جبهه واحد و منسجم برای تربیت معنوی پاسداران تلاش و مجاهدت کنند.

*** در پایان اگر مطلب خاصی دارید، بفرمایید.**

ضمن تشکر از فرصتی که در اختیار قرار داده شد، از خداوند متعال خواهران ما پاسداران را مشمول ادعیه زاکیه حضرت بقیه‌الله ارواحنا فداه قرار دهد و ما را از الطاف و عنايات خودش محروم نکند و همواره در انجام وظایف، اخلاص در عمل را به حقیر و همه همکارانم عطا کند.



به رده‌های سپاه ابلاغ شد. گفتنی است، گردهمایی‌های سیاسی را همکاران‌مان در معاونت سیاسی برنامه‌ریزی و اجرا می‌کنند. ج- آموزش‌های طولی: از آنجا که اجرای آموزش‌های طولی، برعهده دانشگاه‌ها، مراکز آموزشی و مراکز رزم مقدماتی سپاه است، این بخش فعالیت‌های این اداره، شامل پیگیری برای اجرای سهم آموزش‌های عقیدتی- سیاسی در دوره‌های طولی است، که در سال ۱۳۹۸، بازنگری و تجدید نظر در شیوه اجرای ساعات سهم عقیدتی- سیاسی، توجه به طرح سیره و روش تربیت محمدی(ص) و پیگیری برای استقرار روحانی مقیم در مراکز آموزش طولی، تلاش برای حل مشکلات مراکز رزم مقدماتی سربازان و اجرای سرفصل‌های جدید آموزش‌های عقیدتی- سیاسی در دوره‌های طولی، در دستور کار قرار دارد.

در سال ۱۳۹۷، فعالیت‌های اجرایی متعددی با تلاش شبانه‌روزی همکاران‌مان در شبکه تربیت و آموزش عقیدتی- سیاسی سپاه صورت گرفت، که اجرای دوره تربیت و تعالی خانوادگی در مشهد مقدس و شمال برای ۳۴۳۳۶ خوار در قالب ۱۲۷۷ دوره، برگزاری ۱۴۰۱ دوره تربیت و تعالی مجردی برای کارکنان پایور سپاه و تعداد ۸۵۷ دوره برای کارکنان وظیفه در مراکز متمرکز شهرهای مقدس مشهد، قم و مراکز تداوم رده‌ها، برگزاری تعداد ۳۷۳۸۴ جلسه برنامه‌های بصیرت دینی- انقلابی برای کارکنان رسمی و وظیفه سپاه و اجرای تعداد ۱۱۹۱۲۷ جلسه قرآنی در همه رده‌های سپاه برای پایوران و تعداد ۶۵۴۷۰ جلسه برای سربازان و... گوشه‌ای از اقدامات صورت گرفته است.

در پایان زحمات تمامی دست‌اندرکاران، به ویژه فرماندهان و مسئولان، روحانیون معزز، مربیان گرانقدر، همکاران رسمی و وظیفه عزیزان در تمامی رده‌های سپاه را که به نوعی در اجرای برنامه‌های تربیت و آموزش عقیدتی- سیاسی نقشی ایفا کرده، ارج نهاده و «جلسات درس اخلاق»، «نشست‌های پاسخ به شبهات اعتقادی»، «جلسات پرسش و پاسخ فقهی» و «گردهمایی سیاسی» برای همه کارکنان سپاه، پیش‌بینی و برای اجرا

***مسئول اداره آموزش‌های عمومی، تخصصی و یگانی**

